

پیام سندیکا

پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۵۳ / سال ششم / آذر ۱۳۹۵ / نشریه سندیکار کارگری ایران

نابودی قانون کار خشونتى دیگر علیه زنان است



۵ آذر روز جهانی منع خشونت علیه زنان



سندیکای کارگران
نقاش و تزئینات
تاسیس: ۱۳۴۸



اتحادیه
نیروی کار
پروژه‌های



پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/ چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه‌های

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

در این شماره می خوانید:

اطلاعیه های سندیکاهای کارگری ص ۱

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی ص ۱۷

پاسخ به سوالات نشریه پیام سندیکا ص ۴۷

پیامدهای خصوصی سازی در پالایشگاههای کشور ص ۵۰

مصاحبه های کوشندگان کارگری با ایلنا ص ۵۲

مهار بحران بیکاری با اجرای پروژه های ملی ص ۶۰

آقای رئیس جمهور منتظر جوابم! ص ۶۱

حوادث کار قابل پیشگیری است! ص ۶۳

نوبت به مصادره اموال تامین اجتماعی رسیده ص ۶۵

وطن کارگران و ضرورت اجتناب از قوم ستیزی ص ۶۹

چرا کارگران به خصوصی سازی نه میگویند؟ ص ۷۰

مهمترین صادرات ایران به دنیا ص ۷۳

آب را درست استفاده کنیم! ص ۷۴

عروسان کوچک یا عروسک های قربانی ص ۷۶

جدایی و ترس ص ۷۸

شب سردی بود ... ص ۸۰

احقاق حقوق زنان کارگر یک ضرورت طبقاتی ص ۸۱

سودجویی سرمایه داری از مهاجرین جنگی ص ۸۳

مشکلات زحمتکشان و محله های کارگری مشهد ص ۸۴

بازتاب وجود مناطق آزاد تجاری – صنعتی

پس از حدود ۲۸ سال تجربه ی دولت های پس از جنگ

بر گرفته از سایت کانون متحد کارگری

Kmkoomk.wordpress.com

برای یک انسان با دانش غیر دانشگاهی هم این مدت تجربه (۲۸ سال) برای درک درستی یا نادرستی روند یک مناسبات اقتصادی کافی است. ولی برای دولت هایی که هدفی جز کسب درآمد فردی برای خود و اطرافیان خود ندارند، آن هم به قیمت نابودی یک ملت، تحلیل و فروپاشی ساختار اجتماعی یک کشور با نابودی تدریجی قدرت خرید اکثریت افراد آن جامعه، امری کم اهمیت است. ۲۸ سال تجربه با وجود آثار مشهود ویرانی ساختار اجتماعی و حتی در عرصه صنایع کلیدی نفت برای کشور عقب مانده ای مانند ایران که تنها با فروش نفت روزگار می گذرانند، در زمینه ساخت تاسیسات زیر بنایی شاهد روند تولید صناعی هستیم که با شروع بهره برداری به دلیل عدم توجه به نظارت کیفی که ناشی از سرشت و درون مایه مناسبات اقتصادی نولیبرالیستی است، می باید پیش از شروع به بهره برداری و تولید، یک گروه بزرگ فنی از کارگران با تجربه برای تعمیر و نگهداری آن زیر پوشش شرکت های "دلالی کار" ایجاد کنند، زیرا این صنایع کلیدی تولیدی هرگز قادر نیستند با همه ظرفیت کار کنند و با آغاز کار چرخ دندانه های پالایشگاه یا پتروشیمی یک قسمت آن از کار می افتد و یا به دلیل عدم رعایت کنترل کیفی دچار انفجار و آتش سوزی می شود. هر کدام از این صنایع بدون استثنا همیشه نیازمند تکنولوژی جدید و تعمیر و نگهداری است. یا به زبان ساده تولید یک پالایشگاه به جای این که یک سال و چند ماه طول بکشد، به سالها دوباره کاری نیاز دارد و هرگز هم قادر به تولید با همه ظرفیت نه خواهد بود. ولی بیشترین صدماتی که این مناسبات به بار می آورد صدمات انسانی آن است. دولت های پس از جنگ با دور زدن قانون اساسی، مقررات مناطق آزاد تجاری – صنعتی را در بیشتر مناطق بزرگ صنعتی (متأسفانه دولت و نمایندگان مجلس فراموش کرده

اند تا زمانی که قانون اساسی به وسیله یک مجلس مؤسسان تغیر نکرده است حق ندارند قوانینی تصویب کنند که با قانون اساسی در تضاد باشد. وجود مناطق آزاد تجاری - صنعتی و اصلاح قانون کار و ادغام بیمه تامین اجتماعی بر خلاف قانون اساسی ماده ۴۴ و ۴۵ و اکثر قوانین آن است) ایران کاربردی کرده اند. مدعی پیاده کردن نولیبرالیسم هستند ولی آنچه در حال کاربردی کردن است یک شیر بدون یال، دم و اشکم است، آن هم در حالی که اولین اصل این مناسبات را زیر پا می گذارند. در این مناسبات دولت حق دخالت در امور بازار را ندارد و آن را باید به روند و قوانین خود به خودی "عرضه و تقاضا" ی بازار، بسپارد. ولی این دولتهای پس از جنگ همه نهاد های حکومتی را بسیج کرده اند و از دو وجه بازار کار (سرمایه دار - نیروی کار)، پشتیبان و حامی سرمایه دار شده اند و به تازگی پای مراجع شرعی را هم به این بازار کار، باز کرده اند. آزادی تشکل های کارگری را جنایت تلقی می کنند در حالی که در سطح بین المللی در شکل آن را تایید می کنند، و کارگرانی که در این راستا، که قانون اساسی هم آن را تایید می کند عمل کردی داشته باشند به زندانهای سنگین محکوم می شوند. در حالی که آن وجه دیگر بازار کار "سرمایه دار"، هم پشتیبانی همه نهاد های دولتی را با خود دارد و هم تشکل های مستقل خود را. این یک بام و دو هوا چه معنایی دارد؟! یا شما مجریان، توانایی درک پدیده های اقتصادی - اجتماعی را ندارید و یا به عمد شمشیر را بر علیه مردمی که تولید کنندگان جامعه هستند از رو بسته اید و مقررات خود ساخته ضد قانون اساسی کشور را در جهت منافع یک مشت دلال غیر مولد در آورده اید. در حرف خود را مدافع حقوق کارگران و مردم نشان می دهید ولی در عمل راه نابودی آنها را تدارک می بینید. روز سه شنبه ۲۵ آبان ماه ۹۵ برغم ترس و رعب از حاکمیتی که دفاع از حقوق مدنی را که قانون اساسی تایید کرده جنایت تلقی می کند و با شکایت یک سرمایه دار کارگر را از کار و زندگی بیکار می کنند و او را به شلاق و زندان محکوم می نمایند و برخلاف همه بوسیدنهای دست و شانه کارگران؛ در روز های اول انقلاب، امروز چهره واقعی خود را به نمایش گذاشته اید و آنها را مانند جنایت کاران به صلابه می کشید، آری برغم وحشت از احکام بیدادگرانه شما، آن روز کارگران متحد با پلاکارت های خود در جلوی مجلس حضور یافتند و با اعتراضات خود، با فریادهایی که با همه وجود می کشیدند شما را و سیاستهای مخرب شما را، به

چالش گرفتند. شما از سه مورد اعتراض آنها دو مورد را منتفی اعلام نمودید، البته اگر از طریق دیگرِ قرطاس بازیهای نولیبرالیستی تان، دوباره آن را تصویب نکنید. ولی در مورد سوم که تقاضای لغو مناطق آزاد تجاری-صنعتی بود، سکوت کرده اید. همان روندی که در بزرگترین مناطق صنعتی ایران هزاران کارگر صنعتی، تکنیسین و مهندس را که باید صنایع مادر را بسازند و به تولید برسانند تا جامعه بتواند بر پای خود بایستد و به زندگی ادامه دهد، از ابتدایی ترین حقوق تامین اجتماعی محروم نموده اید. هرکدام از کارگران فنی و با تجربه پروژه ای بیش از ۳۰ سال در سخت ترین شرایط این صنایع مادر تولید کرده اند ولی شرکتهای پیمانکاری اگرچه پول بیمه و پس انداز بازنشستگی را از حقوق آنها کسر نموده اند ولی به تامین اجتماعی پرداخت نکرده اند (و برخی سوابقی کمتر از ده سال دارند) و نمی کنند، بدین جهت در دوران پیری و ناتوانی نمی توانند از مزایای بازنشستگی استفاده کنند چون "کار آفرین های" شما آن پول ها را به حساب پس انداز و سرمایه گذاری خود افزوده اند و شما به این دزدی های سرمایه داران تحت نام بر داشتن موانع سرمایه گذاری؛ شکل قانونی می دهید. چون با باور نادرستی که دارید تصور می کنید بدین گونه می توانید به رشد اقتصادی برسید !!! و سرمایه داران خارجی را به سرمایه گذاری در ایران تشویق نمایید. از سوی دیگر، تولید و فروش مواد خام را، رشد اقتصادی می نامید و در آمارهای "مهندسی" شده اتان بدان افتخار می کنید. در حالیکه تولید کالایی صنایع کوچک و خصوصی در ایران، روز به روز در بحران بیشتری فرو می روند، ولی در آمار های دولتی واقعیت ها وارونه نشان داده می شود. مردم بیشتر از هر زمان دیگری این ترفند های کهنه شده را می شناسند و به این دروغهای راست نما، باور ندارند. چرا در پشت واژه ها واقعیت ها را پنهان می کنید؟ چرا به مردم نمی گوئید مناطق آزاد، تجاری - صنعتی یعنی حذف تامین اجتماعی یعنی حذف بازنشستگی یعنی خدمات درمانی یعنی برده گی کارگران تا نتیجه رنج آنها، میلیاردهای دلال ها را، به ترلیونها برساند؟ حتی یک پیمانکار دست پنجم در عسلویه پس از چند ماه کار، میلیاردری دریافت می کند، آن وقت شما می خواهید به نام برداشتن موانع سرمایه گذاری، همین حداقل حقوقی که هنوز برای یک ماه با این همه گرانی و هزینه مسکن و بهداشت و خورد و خوراک و پوشاک به یک میلیون نرسیده است، با اصلاح قانون کار حذف کنید و تعیین

مقدار آن را در اختیار یک طرفه ی سرمایه دار قرار دهید. البته از دهه هفتاد این عمل ضد قانونی را در مناطق آزاد تجاری - صنعتی کاربردی کرده اید. اینک چند دهه است که بحران اقتصادی این مناسبات مورد توجه شما (تعدیل ساختاری و خصوصی سازی)، همه ی دنیا را در هم کوبیده و دنیا را با خطر یک جنگ جهانی روبرو کرده است. ولی شما چشمانتان را بر واقعیت ها بسته اید و مانند کورهایی بدون عصا به سوی پرت گاه می روید. در این دهه های بحرانی بزرگترین اقتصاد جهان که آمریکا بود ورشکسته شد، تنها با کمک جنگ و فروش تسلیحات به کشور های نفت خیزی که دولت مردان شما آنها را به وحشت انداخته بودند، بر پای خود ایستاده است. بحران هم چنان بیشتر کشورهای ضعیف تر اروپا را در هم می فشارد ولی این تجربه ها را چشمان دلال نمی خواهد ببیند. در این شرایط کشورهایی که از نولیبرالیسم کم ترین صدمه را دیدند، همان کشور هایی بودند که این مناسبات اقتصادی را در بست نپذیرفته بودند. در چین که این بحران جهانی کمترین صدمه را وارد نموده و هم چنان به رشد اقتصادی خود ادامه می دهد؛ حتی کوچک ترین کارگاهها یش را خصوصی سازی نکرده است. بزرگترین صنایع مادرش در کنار بخش خصوصی که با سرمایه های خود و با تکنولوژی به چین رفته اند به سرمایه گذاری و کار می پردازند و اقتصاد چین را به فراتر از آمریکا رسانده اند. در حالی که در ایران، که دولتهای پس از جنگ همه صنایع دولتی را در اختیار دلال ها قرار داده اند و به اصطلاح خصوصی سازی کرده اند، می بینیم که همه آن صنایع تعطیل شده اند و کارگرانش به خیل بیکاران پیوستند و جامعه را هر روز بیشتر در بحران رکود و تورم فرو می بُرند. در برزیل در افریقای جنوبی بدون مناسبات نولیبرالیسم از بحران جهانی کمترین صدمه را دیده اند و برزیل که با مناسبات تعدیل ساختاری و خصوصی سازی در دوران دیکتاتوری نظامی ها به بزرگترین کشور بدهکار جهان بدل شده بود با روی کار آمدن یک دولت مردمی به رهبری لولا کارگر فلز کار، این مناسبات ضد انسانی را بدور ریختند و با اقتصادی در جهت منافع همه مردم برزیل حداقل حقوق کارگران را دو برابر کردند و با این ابتکار چرخ های اقتصاد ملی را به حرکت در آوردند. طی ۸ سال اداره اقتصاد به وسیله حزب کمونیست، برزیل نه تنها بدهی های خود را پرداخت کرد در اثر رونق اقتصادی توانست جزو

۲۰ کشور صنعتی جهان قرار گیرد. دولت باید به این تجربه های عملی بیندیشد و نظریه های تحمیلی صندوق بین المللی پول را به دور بیندازد.

ما کارگران پروژه ای نسبت به دور زدن قانون اساسی به وسیله دولت های پس از جنگ و ایجاد مناطق آزاد تجاری - صنعتی که کارگران را از حداقل حقوق قانونی خود مانند تامین اجتماعی، بازنشستگی و خدمات درمانی محروم کرده است اعتراض داریم و انتظار داریم دولت با واقع بینی به وظیفه خود که اجرای قانون اساسی است به خصوص اصل ۴۴ و ۴۵ آن اقدام نماید. و از همه اتحادیه ها و سندیکا های کارگری می خواهیم هوشیارانه با همبستگی و اتحاد، همان گونه که روز ۲۵ آبان ماه نشان دادند، مانع از انحراف دولت ها و برخی نمایندگان مجلس از هدف های انقلاب (۲۲ بهمن) مردمی ایران و اصول قانون اساسی موجود، بشوند.

اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران

سخن گو ناصر آقاجری

۲۷ آبان ماه

تهاجم به زحمتکشان از دو جبهه

بررسی نابودی قانون کار در مجلس که با مخالفت سندیکا‌های کارگری و واحدهای تولیدی با امضای تومارهای گوناگون به مجلس ارایه شده و حتا باعث اعتراض انجمن های صنفی و شوراهای فرمایشی و خانه کارگر نیز شده است، کماکان ادامه دارد و نمایندگان به اصطلاح منتخب مردم در مجلس به این اعتراضات انتخاب کنندگان خود توجهی ندارند. آنچه در مجلس صورت می گیرد و دولت نیز چه در زمان دولت قبلی و چه در زمان دولت فعلی به آن گردن نهاده است دستور صندوق بین المللی پول برای ارزان سازی دستمزد ها ، از بین بردن بیمه تامین اجتماعی، بازنشستگی است.

پیام سرمایه داری به زحمتکشان ایران در این بررسی نابودی قانون کار خلاصه نمی شود. احضار و محکومیت های دوباره و چند باره و به زندان فرستادن کوشندگان موثر کارگری از جمله ابراهیم مددی، داود رضوی، رضا شهابی اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد و جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی راد اعضای هیات مدیره اتحادیه کارگران آزاد ایران و دستگیری ۳ تن از کارگران پارس خودرو هنگام مراجعه به کارخانه دستوری است که باید اجرایی گردد تا توان جنبش کارگری گرفته شود.

در همین راستا دستگیری دبیرکل کانون صنفی معلمان تهران آقای اسماعیل عبدی و احضار و روانه کردن به زندان بهشتی لنگرودی دیگر عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان تهران، ابراهیم مددی، داودی رضوی، رضا شهابی، جعفر عظیم زاده، شاپور احسانی راد کوشندگان کارگری نیز در دستور کار است.

چرا عبدی شبانه دستگیر و روانه زندان می شود؟ چرا کوشندگان کارگری همچون جعفر عظیم زاده از اتحادیه آزاد کارگران ایران و مازیار گیلانی نژاد از سندیکای کارگران فلزکار مکانیک هم شبانه دستگیر شدند؟ این شبانه دستگیر کردن کوشندگان صنفی چه معنایی دارد؟ آن هم زمانی که آیین دادرسی کیفری تاکید دارد که « جلب متهم در روز باید به عمل آید به استثنای موارد

فوری « . از ترساندن خانواده های کوشندگان صنفی چه نتیجه ای حاصل خواهد شد؟

واقعا چه فوریتی در دستگیری های شبانه اسماعیل عبدی، و دیگر کوشندگان کارگری وجود دارد؟ آیا اسماعیل عبدی پولهای صندوق ذخیره فرهنگیان را با خود داشت؟ آیا کوشندگان کارگری دست به سرقت از اندوخته تامین اجتماعی زده بودند؟ اسماعیل عبدی چهره ای شناخته شده و فرهنگی است، کوشندگان کارگری سندیکایی بیش از ۱۰ سال است که برای قوه قضاییه و ضابطانش شناخته شده هستند و نشان داده اند که جز بهروزی مردم و خواسته های به حق و قانونی آرمان دیگری نداشته و در خانه و کاشانه هر شب به سر می برند.

این همدست شدن مجلس برای بررسی نابودی قانون کار در مجلس با دستگیری ها و احضارها و احکام سنگین زندان از سوی قوه قضاییه چه رابطه ای دارد؟ آیا جز این است که سرمایه داری برده هایی آرام و سربه زیر می خواهد و با این حرکات می خواهد جنبش اعتراضی را خاموش سازد؟

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک همگام با همه زحمتکشان ایران خواستار توقف نابودی قانون کار در مجلس و لغو کلیه احکام علیه کوشندگان کارگری و صنفی و آزادی زندانیان صنفی به ویژه اسماعیل عبدی می باشد.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۲۳ آبان ۹۵



سندیکای کارگران فلز کار مکانیک

تاسیس ۱۳۳۹

ثبت وزارت کار ۳۴

بازگشایی ۱۳۸۴

دادستانی تهران رضا شهابی را با وجود اتمام محکومیت به زندان فرا خواند!



رضا شهابی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه علی رغم اتمام محکومیت شش سال زندان چهارشنبه ۵ آبانماه تلفنی از سوی دادستانی به زندان فراخوانده شد. شایان ذکر است به دلیل عمل جراحی مهره های گردن و کمر ناشی از ضرب و شتم دوره های بازداشت موقت با تأیید پزشک قانونی مرخصی استعلاجی ایشان در دو سال آخر محکومیت مورد موافقت دادستانی قرار گرفته بود، و بیش از یکسال است که محکومیت ایشان پایان یافته است و دولت طی گزارشی به سازمان جهانی کار اعلام کرده است: «رضا شهابی از زندان آزاد شده و به سرکار باز گشته است» و در گزارش شماره ۳۵۷ ماه ژوئن ۲۰۱۵ که در سایت سازمان جهانی کار منتشر شده قابل مشاهده می باشد. با این وجود، در مراجعه همسر آقای شهابی به دادستانی معاون دادستان به ایشان اعلام کرده است که شهابی دو سال غیبت داشته است و در صورت عدم مراجعه وثیقه ایشان ضبط و حکم جلب برای ایشان صادر خواهد شد.

قابل ذکر است که این اقدام دادستانی یک روز پس از تلاش سندیکا به جمع آوری امضا در مخالفت با تغییر و حذف بسیاری از موارد قانون کار که از سوی دولت تحت عنوان باصطلاح لایحه اصلاح قانون کار به مجلس فرستاده شده صورت گرفته است.

آزار و اذیت و حبس کارگرانی که در پی حقوق حقه خود هستند در حالی افزایش می یابد که مرتبا اخبار اختلاس های چند هزار میلیاردی از رسانه ها منتشر می شود و نه تنها هیچ اقدام موثری برای جلوگیری از غارت و چپاول اموال عمومی در کشور صورت نمی گیرد بلکه انتشار دهندگان این دزدی ها و اختلاس ها را به زندان می برند. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ضمن محکوم نمودن اقدامات دادستانی در رابطه با آقای رضا شهابی، همچنین صدور حکم زندان برای آقایان ابراهیم مددی و داود رضوی و اخراج سایر اعضای سندیکا و تداوم اذیت و آزار و تعقیب قانونی دیگر کارگران و فعالین کارگری رامحکوم می کند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۷ آبان ماه ۱۳۹۵



اطلاعیه فدراسیون جهانی اینداستریال

ایران همچنان به زندانی کردن فعالان سندیکایی ادامه می‌دهد



۲۶ اکتبر ۲۰۱۶ (۵ آبان ۱۳۹۵)

کمال اوزکان، دستیار دبیرکل اینداستریال می‌گوید: در هنگامی که «اینداستریال (IndustriALL) پیوستن نخستین سندیکا از ایران به این سازمان را خوشامد می‌گوید، دولت ایران همچنان به زندانی کردن رهبران کارگری به علت فعالیت‌هایشان ادامه می‌دهد»

در ماه اکتبر ۲۰۱۶، کمیته اجرایی اینداستریال پیوستن سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران (UMMI) به «اتحادیه جهانی اینداستریال» را تصویب کرد. با وجود این، ماه اکتبر ماه تیره و تاری برای سندیکا‌های ایران بود.

روز ۷ اکتبر (۱۶ مهر) حکم شش سال زندان برای اسماعیل عبدی، دبیرکل کانون صنفی معلمان ایران، به اتهام «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی» تأیید شد. روز ۱۵ اکتبر (۲۴ مهر) دو فعال کارگری، یعنی جعفر عظیمزاده دبیر

اتحادیه آزاد کارگران ایران، و شاپور احسانی‌راد، هر کدام به ۱۱ سال زندان به اتهام «تشکیل اتحادیه و تبلیغ علیه نظام» محکوم شدند. جعفر عظیم‌زاده قبلاً در سال ۲۰۱۴ (۱۳۹۳) حکم شش سال زندان و دو سال ممنوعیت فعالیت در رسانه‌ها و نیز در سپهر مجازی گرفته بود.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران برای آزادی این سه رهبر اتحادیه ایی و برای لغو احکام آنها تلاش می‌کند. کمال اوزکان، دستیار دبیرکل اینداستریال می‌گوید که اذیت و آزار سندیکاها در ایران باید فوراً متوقف شود.

اینداستریال تداوم زندانی کردن رهبران سندیکایی را به‌شدت محکوم می‌کند و از فعالیت آزادانه و دموکراتیک اتحادیه‌های صنفی و سندیکاها در ایران حمایت می‌کند.

در حالی که تحریم‌های اقتصادی لغو شده‌اند و سرمایه‌گذاری بین‌المللی به کشور ایران جاری می‌شود، دولت ایران باید بی‌درنگ به حقوق سندیکایی و حقوق بنیادی بشر احترام بگذارد و آنها را رعایت کند. در چنین زمینه‌ای است که ما از دولت ایران می‌خواهیم که کنوانسیون‌های ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار درباره آزادی تجمع و حمایت از حق تشکل، و حق تشکل و مذاکره و چانه‌زنی جمعی را تصویب کند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک با تمام توان از اعتبار جهانی خود برای آزادی همه زندانیان صنفی استفاده خواهد کرد و در این راه برادران و خواهران مان درفدراسیون جهانی اینداستریال با ما همگام خواهند بود.

زنده همبستگی جهانی کارگران

پیام شادباش به فدراسیون جهانی اینداستریال به مناسبت تصویب و اعلام عضویت رسمی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران در این فدراسیون.



« رود به دریا پیوست »

با درود بر رفقا، برادران و خواهران عضو شورای مرکزی فدراسیون جهانی اینداستریال و همه اعضای کوشنده آن.

خبرهای مسرت بخش انجام موفقیت آمیزکنگره دوم و انتخاب هیات جدید رهبری « فدراسیون جهانی اینداستریال » در برزیل، و همچنین قبول رسمی عضویت سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران در صفوف رزمنده و موفق فدراسیون در جریان تصمیم های روز ۳ اکتبر (۱۲ مهر ماه ۱۳۹۵) را دریافت کردیم. از اینکه خود را در میان رفقای فدراسیون می بینیم خوشحالیم .

هر چند سالهاست شما با حمایت های همه جانبه خود مبارزات کارگران ایرانی را پوشش داده اید و با اظهارهای مکرر نسبت به نقض حقوق انسانی و کارگری کارگران ایرانی به دولتمردان ایرانی اعتراض نموده اید، که از این بابت از شما سپاسگزاریم. ما بر این باور هستیم که عضویت رسمی سندیکای

فلزکار فصل جدید و کیفیتاً نوینی را در این فعالیت های مشترک و بهم پیوسته ما رقم خواهد زد.

ما در زمانی به اینداستریال بزرگ محلق می شویم که سندیکاهای کارگری ایران، بویژه سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران، و کوشندگان کارگری برای برپایی و دفاع از حقوق سندیکایی خود به شدت زیر فشار قرار دارند. با محدود کردن سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و دیگر سندیکاهای کارگری سیاست های ضد بشری صندوق بین المللی پول هر روز سنگری از کارگران را گرفته و جای پای خود را در عرصه اقتصادی و کارگری محکم تر می کنند. هجوم به تامین اجتماعی، هشت ساعت کار، بازنشستگی و از همه مهمتر دستمزدها مدتهاست آغاز شده است. با فرامین صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی کارگران ایرانی روزانه با ۸ ساعت کار کمتر از ۸ دلار دستمزد میگیرند.

سمت و سوی اقتصادی کشور ما به سوی ارزان سازی نیروی کار و آماده کردن کشور برای سرمایه گذاران خارجی جهت سرمایه گذاری است. این روند با کلید خوردن نهایی تغییر قانون کار به نفع سرمایه داری لجام گسیخته و حذف مواد حمایتی آن در مجلس آغاز شده است. البته این تهاجم سرمایه داری تنها در کشور ما نمود ندارد و سیاست جهانی آن بوده که شما هم در کشورهای خود آن را لمس می کنید.

ما اعتقاد داریم تا زمانی که مبارزات ما در سطح بین المللی به سمت مبارزه ای آگاهانه و متحد پیش نرود، تهاجم سرمایه داری هر روز افزایش می یابد. برای توقف سرمایه داری اتحاد ما لازمه این حرکت است.

ما ضمن سپاسگزاری از اعتمادی که به سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران از سوی اعضا و شورای مرکزی فدراسیون شده است خود را پرتوان تر از همیشه در کنار شما می بینیم. قدرتمندی «اینداستریال» قدرتمندی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران است.

پیش بسوی اعتراض و جلوگیری از تغییرات ضد کارگری در قانون کار



با توجه به اعلام کمپین علیه نابودی قانون کار توسط سندیکای برادر ، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران ، سندیکای کارگران فلزکارمکانیک با حمایت از این کمپین به همکاری به این اعتراض می پیوندند. در بخشی از فراخوان سندیکای کارگران شرکت واحد آمده است:

« سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه از تمام مزد بگیران، اعم از کارگران زحمتکش بخش های صنعتی، خدماتی، کشاورزی، معلمان، دانشجویان، پرستاران و مردم، که تغییرات ضد کارگری قانون کار آینده فرزندان را هدف قرار داده درخواست دارد با امضای طومار اعتراض به لایحه باصلاح «اصلاح قانون کار» مخالفت خود را با این تغییرات ضد کارگری در قانون کار اعلام دارند»

از همه اعضا و دستداران سندیکای کارگران فلزکارمکانیک و دیگر سندیکاهای کارگری می خواهیم به این کمپین اعتراضی پیوسته و با تمام قوا به جمع آوری امضا مبادرت ورزند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ۵ آبان ۱۳۹۵



شادباش به مناسبت برگزاری مجمع عمومی کانون صنفی معلمان تهران

دوستان گرامی،

انتخابات هیات مدیره و بازرسین کانون صنفی معلمان که با رای قاطع آموزگاران انجام پذیرفت، را پویه ای می دانیم که با تکرار آن و همگانی شدنش جوانه های دموکراسی را در کشور ما رقم خواهد زد.

تلاش شما در اثبات این حقیقت که کار صنفی را نمی توان با برجسب امنیتی، متوقف نمود سزوار تحسین است.

ما ضمن شادباش به شما آموزگاران و هیات های منتخب، به هوشمندی تان در حسن انتخاب مجدد آقایان بهشتی، عبدی، بدای، باغانی و نیک نژاد تبریک گفته و اعلام می کنیم با عهدی که با شما بستیم، پای بندیم و گسترش روزافزون این روابط را خواستاریم.

با درود به آموزگاران شجاع مان

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران ۱ آبان ۱۳۹۵



نامه سرگشاده اعتراضی کارکنان رسمی صنعت نفت!

جمع کثیری از کارکنان رسمی صنعت نفت در نامه ای به رییس جمهور خواستار برطرف شدن مشکلاتشان شدند. در بخش هایی از این نامه سرگشاده اعتراضی خطاب به حسن روحانی آمده است:

آیا این روزها از حال سربازان خط مقدم جبهه ی اقتصادی دستگاه تحت مدیریت تان خبر دارید؟ آیا می دانید که رزمندگان بی منت صنعت نفت این مرز و بوم چند ماه است که به دنبال احقاق حق مسلم شان هستند؟

از اجرای قانون اختیارات وزارت نفت با شما سخن می گوئیم که این روزها بررسی و اجرای آن در پیچ و خم های طولانی وزارتخانه ی مربوطه گیر کرده و انگار صدای ما به گوش هیچیک از افراد آن تشکیلات ذیربط نمی رسد.

از حذف یکباره چندین هزار سمت در رده های مختلف شغلی در کلیه ی ارگانهای تابعه ی وزارت نفت با شما سخن می گوئیم که بی هیچ توجیه خاصی کماکان ادامه دارد.

از بالا بردن سن بازنشستگی از ۶۰ سال به ۶۵ سال و قابل ارتقاء به ۷۰ سالگی با شما می گوئیم که به دلایل نامعلوم تصویب و اجرایی گردید.

از وخامت اوضاع روحی کارکنان جوان آن وزرات مبنی بر عدم تامین معیشت شان با شما حرف می زنیم که علیرغم تحمل ساعات کار طولانی در شرایط سنگین و طاقت فرسا، دستمزدهایشان کفاف زندگی هایشان را نمی دهد.

اینک که پس از بارها نامه نگاری و ارسال درخواست از سوی کارکنان صنعت نفت ، با کمال تاسف شاهد آن هستیم گوش شنوایی جهت استماع مشکلات کارکنان وجود ندارد ، این موضوع ما را بر آن داشت آخرین عریضه را حضور شما تقدیم نماییم و امید آن داریم از سوی آن مقام موضوع به صورت ویژه مورد بررسی قرار گیرد.

مزید استحضار اینکه کارکنان صنعت نفت به نشانه اعتراض به وضع موجود و همچنین اعلام عدم رضایت عملکرد وزیر محترم نفت ، به زودی تجمع صنفی برگزار خواهند نمود.

جمعی از کارگران و کارکنان رسمی صنعت نفت

رونوشت به خبرگزاری ها

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



گزارش خبرنگار پیام سندیکا از تجمع مقابل مجلس



بنا به اعلام فراخوان سندیکای کارگران شرکت واحد و سندیکای کارگران فلزکارمکانیک برای اعتراض به لایحه نابودی قانون کار، از ساعت ۱۰ صبح آبان ماه در مقابل مجلس تجمع شکل گرفت.

قبل از این تجمع شوراهای اسلامی کار از ساعت ۹ صبح با حضور آقایان حبیبی و خدایی در مقابل مجلس شروع به سخنرانی کردند و دو نماینده مجلس نیز به جمع این افراد آمده و طی سخنانی از موضع بر حق کارگران دفاع کردند. که با اعتراض دبیر اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران آقای ناصر آعاجری و مازیار گیلانی نژاد از سندیکای کارگران فلزکارمکانیک روبرو شدند که به هیچکدام اجازه صحبت داده نشد. در این تجمع آقای پاکزاد رییس هیات مدیره کانون بازنشستگان تهران نیز حضور داشت که هنگام سخنرانی ایشان بلندگو توسط پلیس جمع آوری شد و ایشان نتوانستند مخالفت کانون بازنشستگان را اعلام کنند این تجمع که بیشتر از اعضای شوراهای قرچک و ورامین و شهری تشکیل یافته بود که با چند اتوبوس به مقابل مجلس آمده بودند، پایان یافت.

با آمدن کارگران سندیکالیست و اعتراضات پیاپی آنان به سخنرانان پشت تریبون و اعلام برگشت قانون کار از مجلس و برپا کردن پلاکارد هایی که از سوی سندیکای شرکت واحد و اتحادیه آزاد آورده شد بود برگزار کنندگان تجمع شوراهای اسلامی کار از جلو مجلس متفرق گشتند.

سندیکاهای کارگری با دادن شعارهایی در رابطه با موضوع معیشت، دستمزد، بیمه تامین اجتماعی، قراردادهای موقت، برگشت لایحه نابودی قانون کار به اعتراضات خود کماکان ادامه داده و خیابان اصلی مجلس را به تصرف خود در آورده بودند. با بیرون رفتن شوراهای اسلامی کار تریبون به دست سندیکاهای کارگری افتاد و شروع به سخنرانی و دادن شعار و نصب پلاکارهای خود کردند. در این تجمع که لحظه به لحظه تعداد افراد افزایش می یافت شعارها فقط در راستای برگشت قانون کار از مجلس دور می زد. مدیریت خوب کوشندگان کارگری سندیکای شرکت واحد نیز این گردهمایی اعتراضی را هماهنگ تر کرده بود. با برخورد پلیس و جمع آوری پلاکاردی قطعنامه سندیکای کارگران شرکت واحد خوانده و تظاهرکنندگان متفرق گشتند.



گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ایران خودرو



۱- با گذشت ۸ ماه از سال جدید و افزایش تولید ۲۰ درصدی نسبت به سال گذشته، مدیریت ایران خودرو به جز یک فقره واریز ۶۰۰ هزار تومانی برای افزایش تولید هیچ مبلغ دیگری نپرداخته است. این در حالی است که خطوط با ظرفیت کامل کار کرده و حتی سرعت خطوط نیز بالا رفته است.

در مواردی حتی روزهای جمعه را هم مدیریت کار اعلام کرده که موجب نارضایتی کارگران بوده است

یکی از حقوقی که مدیریت تلاش دارد به فراموشی بسپرد موضوع پاداش افزایش تولید است که در سالهای قبل هر دو ماه یکبار پرداخت می شد. مدیریت با حذف پاداش این افزایش تولید در حقیقت می خواهد هزینه هایش را کم کرده و به پاداش مدیران بیفزاید

۲- مدتی است که شرکت ایران خودرو برای بازنشسته کردن کارگران ورودی سال ۷۵ این شرکت اقدام به تشکیل پرونده ای برای بازنشسته کردن این کارگران کرده است. این نگرانی کارگران و سایر کارگران این موضوع است که آیا مبنای محاسبه حقوق بازنشستگی میانگین ۵ سال آخر دریافتی کارگران است یا مانند سالهای گذشته ۲ سال آخر محاسبه خواهد شد. هر چند که سنوات کارگران کماکان سالی ۴۰ روز محاسبه خواهد شد.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از کارخانه پارس متال



کارخانه پارس متال قدیمی ترین کارخانه ریخته گری ایران است که از سال ۱۳۳۷ تولید خود را شروع کرده است. این کارخانه دارای بخش های ریخته گری، آزمایشگاهی، تراشکاری و قالبسازی، تولید، کنترل تولید، فنی بازسازی و اداری می باشد.

این کارخانه همانند بسیاری از کارخانه ها به دلیل عدم خرید محصولاتش توسط کارخانه ها و دولت مجبور به کم کردن کارگران خود کرده است. از ۱۴۰۰ کارگری که در ۵ سال گذشته در این کارخانه کار می کرده اند در حال حاضر فقط ۳۰۰ کارگر باقی مانده اند. بیشتر کارگران یا بازنشسته شده و یا باز خرید شده اند.

این کارخانه برای صنایع مس، سیمان، معدن، فولاد، خودروسازی ها دارای تولیداتی می باشد که از نوع خارجی آن با کیفیت تر است. با تلاش کارگران و متخصصین این کارخانه تولید کفشک های ترمز قطارها و تولید ماهیانه ۲۰۰۰ تن گلوله های آسیاب را در تابستان امسال بر تولیدات خود افزوده است.

متأسفانه رویکرد وزیران صنایع و مدیران کارخانه هایی چون ایران خودرو نخریدن این اجناس تولید داخل و واردات انواع لنت از خارج توسط دلالان می باشد

کارگران این کارخانه هر روز کاهش یافته در حالی که با خرید محصولات این کارخانه، این شرکت توانایی استخدام ۲۰۰۰ کارگر را دارد. سختی کار، آلودگی محیط کار، سروصدا، و نبود ایمنی کافی به خصوص در ریخته گری و بخش فنی بازسازی از مشکلات کارگران این کارخانه می باشد.

گزارش پیام سندیکا از هفت تپه



با مراجعه کارگران هفت تپه امروز ۱۳ آبان به سازمان تامین اجتماعی معلوم شد بدلیل پرداخت نکردن بیمه ماهیانه سهم کارفرما ؛ دفترچه درمانی کارگران نیشکر هفت تپه توسط سازمان تامین اجتماعی هفت تپه تعویض و تمدید نمی شود. با این اقدام عملا کارگران این شرکت که اکثرا بیش از بیست سال سابقه پرداخت حق بیمه هستند از خدمات درمانی محروم شدند. کارگران هفت تپه می پرسند چه کسی باید پاسخگوی این ظلم به کارگران هفت تپه باشد؟ وزیرکار؟ سازمان خصوصی سازی؟ استاندار؟ نمایندگان مجلس؟ قوه قضاییه؟ وزارت اطلاعات؟.....

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از عسلویه



در تاریخ ۱۳۹۵/۸/۲۳ کارگران پیمانکاری پتروشیمی بوشهر که از وضعیت بد خوابگاه و امکانات رفاهی و همچنین دیر پرداخت دستمزدشان تصمیم به اعتراض مقدماتی گرفتند تا در صورت عدم رسیدگی به اعتراض و در نهایت اعتصاب ادامه دهند. ابتدا بایستی خواسته ها مطرح می شد و سپس در راستای درخواست خود حرکت نمایند. آنان نبود آبگرمکن را در این هوای سرد و نصب سریع آن را در کمپ ها خواستار شدند؛ چرا که به علت حمام آب سرد همه کارگران دچار عفونت سینه شده بودند و دیگر اینکه مخزن آب از شیر لوله ها زنگ آهن بیرون میداد و این حکایت از بی توجهی نسبت به آب شست و شو بود. البته پیش از این نیز اعتراض هایی در جهت خوراکی های آلوده و مسموم شده بود که نتیجه آنچنانی نداشت و مهمترین دلیل آن درخواست خوراک ارزان و نسبه از جانب شرکتها به پیمانکاران بوده است. در پی اعتراض اخیر و بررسی وضعیت آب مشخص شد که مسئول کمپ ها، بدون تحویل گرفتن آب و صرفه جویی در پول دادن به راننده تانکر آب، اقدام به فاکتورهای دروغین نموده است. حال وضعیت آب تا حدودی بهتر شده و آبگرمکن برای حمام کارگران در کمپ نصب کرده اند و بعد از چند روز حقوق یک برج را به کارگران پرداخت نموده اند. البته هنوز وضعیت نابسامان مسمومیت غذایی درست نشده و همین امروز در تاریخ ۱۳۹۵/۹/۱ هم بسیاری از کارگران مسموم شدند و از سرکار با حالتی نیمه جان مرخصی گرفتند تا

پیش دکتر بیایند و خودشان را معالجه نمایند. آنها نمی توانند پیگیر مطالبات تندرستی کارگران شوند؛ چون حساب و کتاب سود دهی شان بهم میخورد؛ چرا که ماست، تخم مرغ و همه غذاهای فاسد را به ایمنی کارفرما داده ایم؛ ولی سودی نبخشید و من سخن یکی از پرستاران بیمارستان عسلویه را به یاد دارم که نماینده شرکت میگفت: چرا با کارگران اینگونه برخورد میکنین؛ چرا که مسمومیت ایجاد شده بسیار کشنده هست...
با سپاس (وارتان خرمدين، کارگر پارس جنوبی عسلویه)

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از نوب آهن



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

۱- بهره برداری از ریل ملی ذوب آهن به دست توانای کارگران و متخصصان ایرانی در اوایل آبان ماه اجرایی شد. متأسفانه پاداش قابل ملاحظه ای به این کارگران داده نشد. چرا؟ آیا حق کارگران به اندازه مدیران مجموعه برای دریافت پاداش نیست؟

۲- ثبت نام کنندگان مسکن فولادشهر در محله ۹ B خواستار روشن شدن وضعیت آنان در این پروژه هستند و از مدیریت انتظار دارند پاسخگوی این وضعیت به کارگران باشند.

۳- با کاهش دمای هوا کارگران شیفیت کار خواستار راه اندازی سیستم آب گرم به ویژه در شیفیت شب هستند.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از تاسیسات نفتی



۱- واحد تقطیر پالایشگاه خلیج فارس در حالی آماده بهره برداری شده است که کارگران این مجموعه بیش از ۴ ماه است حقوق خود را دریافت نکرده اند. با بهره برداری از این پالایشگاه روزانه ۳ میلیون لیتر بنزین، ۱۴ میلیون لیتر گازوییل، ۴ میلیون لیتر گازمایع، سه میلیون لیتر سوخت جت، ۱۳۰ تن گوگرد تولید خواهد شد.

۲- تعمیرات در پالایشگاه بید بلند و تاسیسات نفت و گاز مسجد سلیمان به دست توانای کارگران و متخصصان ایرانی انجام شد. در این تعمیرات که در گرمای ۴۵ درجه صورت گرفت کارگران برای یک روز هم کار را تعطیل نکردند

پرسش اینجاست : در حالی که همه مسوولین به اتفاق می دانند که بیشترین تولید ثروت و ارز آوری فقط در صنعت نفت است چرا کارگران این مناطق از کمترین امکانات باید برخوردار باشند؟ چرا کارگران این مناطق باید بیش از ۴ ماه حقوق نگرفته باشند؟ آیا دست هایی برای ناراضی کردن کارگران و متخصصان ایرانی در شرکت نفت فعالیت می کنند تا از این طریق هم صنعت نفت را از متخصصین و کارگران ماهر محروم کند و هم راه ورود متخصصین خارجی برای دریافت حقوق های نجومی باز کرده باشند؟

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از شرکت ایران قوطی



کارخانه تولیدی شرکت ایران قوطی در شهرک صنعتی البرز واقع در کیلومتر ۱۰ اتوبان قزوین-زنجان قرار دارد و با تعداد ۲۵۰ نفر پرسنل که ۱۲ نفر آن را زنان تشکیل می‌دهند مشغول به کار است. دفتر مرکزی این شرکت نیز در تهران خیابان سهروردی جنوبی نبش بانک اقتصاد نوین پلاک ۱۱۵ واقع شده است.

این شرکت از بخشها و واحدهای زیر تشکیل شده است:

تولید قوطی، فنی، کنترل کیفی، چاپ و لاک، پرس در قوطی، بسته‌بندی، تراشکاری، انبار و اداری شامی مالی، فروش، بازرگانی داخلی، بازرگانی خارجی

در بررسی وضعیت کارگران و کارمندان این شرکت، مشکلات زیر گزارش شده است:

۱- این شرکت از خرداد امسال حقوق پرسنل خود را پرداخت نکرده است. این روال عقب افتادگی پرداخت حقوق و مزایا تا سال گذشته دو ماهه بوده که متأسفانه امسال به پنج ماه افزایش یافته است.

۲- بیمه تامین اجتماعی پرسنل، از اسفند ماه سال گذشته به این طرف واریز نشده است.

۳- عیدی و سنوات سالهای ۹۳ و ۹۴ کارگران پرداخت نشده است.

- ۴- کیفیت غذا به دلیل عدم تخصیص بودجه کافی به شدت پایین آمده است.
- ۵- بیمه تکمیلی از سال گذشته قطع شده است.
- ۶- کمک هزینه دانشجویی کارگران از سال گذشته قطع شده است.
- ۷- جایزه فرزندان ممتاز کارگران از سال گذشته قطع شده است.
- ۸- سنوات کارگران رسمی بازنشسته پرداخت نشده است

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از مشکلات رانندگان تاکسی تهران



چرا رانندگان تاکسی به اتحادیه نیازمندند؟

خدمات اتحادیه رانندگان تاکسی به رانندگان زحمتکش عضوش آن قدر زیاد بود که هنوز از ذهن رانندگان تاکسی بیرون نرفته است و خواهان بازگشایی مجدد این اتحادیه هستند.

قبل از انقلاب ۲ نفر از آخرین مدیران اتحادیه رانندگان تاکسی که زحمات بسیاری را با مدیریت نسبتن صحیح خود کشیده بودن و باعث پیشرفت و کارآمدی این اتحادیه گردیده بودند و هنوز هم رانندگان تاکسی از آنان به نیکی

یاد می کنند به نام های سرهنگ سلامی قبل از انقلاب و آقای دکتر وهاب زاده بعد از انقلاب می باشند. عبرتی که متولیان فعلی شاید از آن درس بگیرند و نشوند مانند هاشمی عرب ها که جز لعن و نفرین ثمره ای از رانندگان نبینند. زمان به سرعت برای مدیریت پر از اشکال و خودخواهانه مدیران سازمان تاکسیرانی در حال عبور است.

متاسفانه تشکیلات اتحادیه و تعاونی رانندگان تاکسی بعد از مدیریت دکتر وهاب زاده با مدیریت های مغرضانه سو استفاده گران تا بدانجا به کار خود ادامه داد و به دست شخصی افتاد که با زیرپوش به کار رانندگی مشغول بود و نشان از شخصیتش داشت. این فرد به دلیل رانتی که داشت خیلی راحت و زیرکانه بر مسند مدیرعاملی اتحادیه رانندگان زحمتکش تاکسی قرار گرفت و سالیان سال بدون پاسخگویی مستبدانه در مصدر کار بود. و زمانی که متوجه شد دیگر توان رای آوردن در مجمع را ندارد با کمک سازمان نظارت بر تاکسیرانی بی سر و صدا باعث انحلال اتحادیه گردیده و بدون هیچ حساب و کتابی کرکره اتحادیه تاکسیرانی تهران را پایین کشیدن و اتحادیه را از بین برد. او با همدستی دیگر رانت خواران به نام سازمان مدیریت و نظارت بر تاکسیرانان تهران (زیر مجموعه شهرداری) و انتصاب هیات مدیره از سوی خود و همین طور انتصاب مدیران بخش های مختلف که به عهده شهرداری بود، اموال و دارایی های رانندگان تاکسی را که در اتحادیه اندوخته شده بود را به تاراج برده و تاکنون هم بیلانی از این تاراج به کسی ارایه نکرده اند. لذا هر چند وقت یکبار مدیرانی با اطلاعات ضعیف بر مسند تاکسیرانی نشسته و چون از مشکلات و مصایب رانندگان بی خبرند نمی توانند مشکلات رانندگان را حل کنند.

زیان هایی که رانندگان تاکسی از این مدیریت های غلط و انتصابی و رانت خوار مافیایی خورده اند این است که به نان شب محتاج و مقروض به تعمیرگاهی و تعویض روغنی و فروشنده لاستیک هستند.

رانندگانی که در ۳۰ سال پیش با وجود اتحادیه، لاستیک و روغن ارزان تحویل می گرفتند و روزگار به خوشی سپری می کردند، امروز راننده تاکسی با این سیاست ها مائشین خواب شده است.

برای بازگشایی اتحادیه رانندگان تاکسی تهران متحد شویم.

رانندگی یا در جستجوی مرگ



رانندگان فرودگاهی برای اینکه بتوانند اقساط ماشین های مدل بالای خود را بپردازند و از طرف دیگر از پس هزینه های زندگی برآیند مجبورند سخت کار کرده و در طی ۲۴ ساعت به دنبال مسافر باشند و کمتر استراحت کنند. عکس زیر نمایانگر این موضوع است. حادثه فقط به دلیل خستگی زیاد روی داده است ۱۸ آبان ۹۵ محل حادثه اتوبان تهران قم در مسیر فرودگاه امام.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از تحصن بازنشستگان فولاد



امروز بیش از ۳۰۰ تن از کارگران بازنشسته فولاد اصفهان برای چندمین بار متوالی برای دادخواهی نسبت به روشن شدن وضعیت صندوق درمان فولاد، بیمه عمر و حوادث، همسان سازی حقوق، سختی کار و مابه التفاوت حقوق های مانده از سال ۷۰ به وزارت کار آمده و در محوطه و بیرون وزارت کار دست به تحصن زدند. آنان با انتخاب ۸ نماینده برای مذاکره با وزیرکار، به داخل ساختمان وزارت کار رفته که فقط آقای احمدی به طبقات بالا برده شد.

تحصن کنندگان به دلیل مدیریت غلط و ناکارآمد وزیرکار طی شعارهایی خواستار استعفای او بوده و شعار می دادند وزیر بی لیاقت استعفا استعفا.

هرچند در ساعت ۱۰ خانم طهماسبی نیز خواستار راه یافتن به ساختمان وزارت کار و یاری کردن آقای احمدی را داشت که با برخورد زشت مامورین حفاظت وزارت کار روبرو شد.

در طول تحصن تا ساعت ۱۲ ظهر زمان مخابره خبر متأسفانه دستشویی های وزارت کار را به روی تحصن کنندگان بسته بودند و تحصن کنندگان که همگی بیش از ۷۰ سال از عمرشان می گذرد و با انواع بیماری های کهولت سن دست به گریبان هستند برای قضای حاجت به مسجد بهبودی می رفتند.

آیا با پدران و مادرانی که عمر خود برای آبادانی این مرز و بوم صرف کرده و در فضای اکسید شده نوب آهن کار کرده اند و امروز برای دادخواهی به خانه خود آمده بودند ، چنین برخوردی شایسته است؟

آقای وزیر کار آیا از پدر و مادر خود نیز چنین استقبال می کنی؟ و درب دستشویی ها را بر رویشان می بندی؟

گزارش تکمیلی خبرنگار پیام سندیکا از تحصن بازنشستگان فولاد



در پی گزارش روز قبل ۸ آبان از تحصن بازنشستگان فولاد در مقابل وزارت کار که نسبت به روشن شدن وضعیت صندوق درمان فولاد ، بیمه عمر و حوادث، همسان سازی حقوق ، سختی کار و مابه التفاوت حقوق های مانده از سال ۷۰ ، با خبر شدیم این تحصن کنندگان پس از قولی که آقای احمدی نماینده

این بازنشستگان در مذاکره با مسولین وزارت کار به آنان داده که تا روز سه شنبه مشکلاتشان حل خواهد شد. لذا آنان پراکنده شده بخشی از بازنشستگان به دخانیات رفته برای گذارن شب و مابقی نیز به خانه دوستان و آشنایان راهی شده و بخشی نیز به اصفهان بازگشته اند از جمله آقای احمدی.

به قطع یقین سه شنبه نیز مانند توالی گذشته قول های بی پشتوانه مسولین به این پیرمردان و پیرزنان عرصه کار داده خواهد شد. آیا وزارت کار می تواند اندوخته به تاراج رفته این بازنشستگان را تا سه شنبه به صندوق درمان فولاد بازگرداند؟ آیا می تواند به همسان سازی حقوق این بازنشستگان با سایر بازنشستگان اقدام کند؟

هزینه های درمان این بازنشستگان در تهران با حداقل زمان یک یا دو روزه پرداخت می شود اما این موضوع در اصفهان حتا به دوماه نیز می رسد آیا مدیریت نمی تواند برای موضوع پرداخت سریعتر هزینه های درمان در اصفهان چند کارمند بیشتر استخدام کند که کمتر این بازنشستگان سرگردان شوند؟

موضوع دیگر خست بخش رفاهی فولاد بوده که از مهمان پذیر خود برای آسایش این بازنشستگان استفاده نکرد و آنان مهمان دخانیات شدند

فردا ۱۰ آبان روز موعود است و بازنشستگان برای دریافت پاسخ به وزارت کار خواهند آمد.

گزارش تکمیلی

متأسفانه امروز ۱۰ آبان باقی مانده بازنشستگان به وزارت کار رفته و همانطوری که پیش بینی شده بود با وعده های توخالی مسولین، بازنشستگان روانه خانه هایشان شدند تا زمانی که دوباره کارد به استخوانشان برسد و جمعی دیگر.....

اعتراض‌ها به لایحه اصلاح قانون کار

اعتراض به لایحه اصلاح قانون کار در میان کارگران در حال گسترش است. در ادامه ی مخالفت های زنجیره ای کارگران با لایحه اصلاح قانون کار، روز سه شنبه ۲۱۰۰ نفر از کارگران معدن چادرملو طوماری امضا کردند و در آن از نمایندگان مجلس خواستند که با توجه به نقض آشکار حقوق کارگران در لایحه اصلاح قانون کار، از بررسی آن در مجلس صرفنظر و آن را به دولت برگردانند.

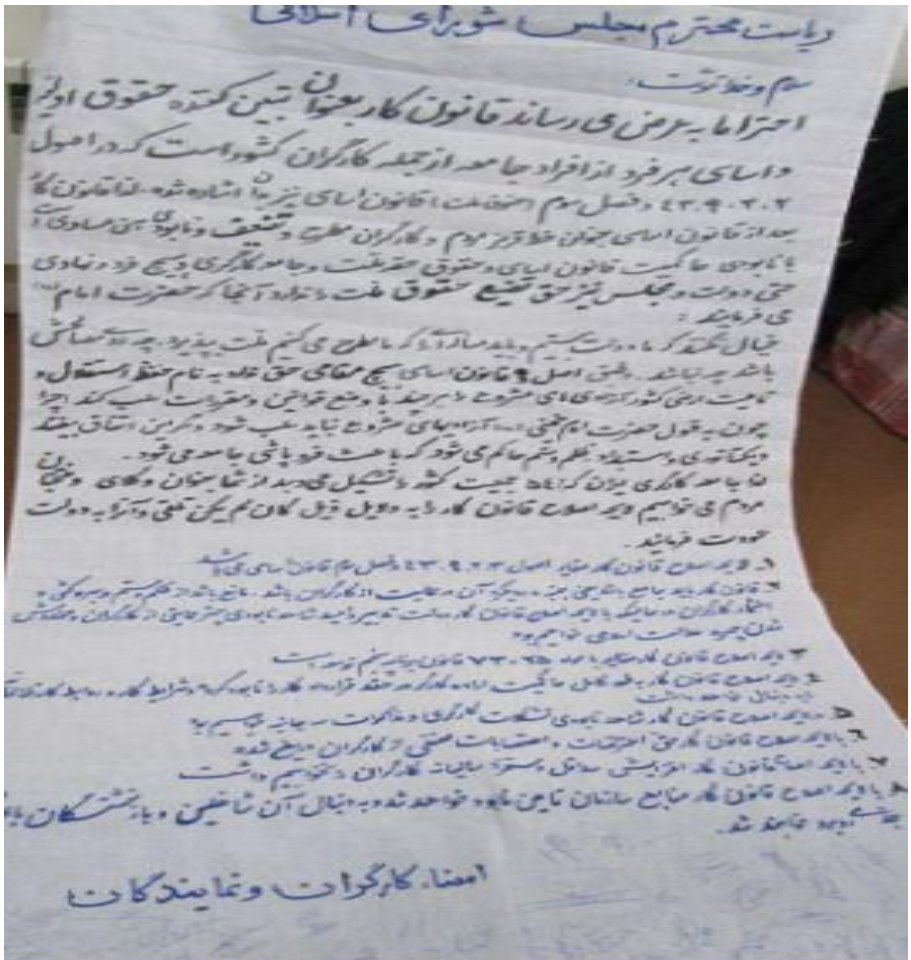
به گزارش ایلنا در متن این طومار آمده است: قانون کار به عنوان تبیین کننده حقوق اولیه و اساسی هر فرد از افراد جامعه از جمله کارگران کشور است که در اصول ۲، ۳، ۹ و ۴۳ و همینطور در فصل سوم قانون اساسی نیز به آن اشاره شده، لذا قانون کار بعد از قانون اساسی به عنوان خط قرمز مردم و کارگران مطرح و تضعیف و نابودی آن مساوی با نابودی حاکمیت قانون و حقوق حقه ملت و جامعه کارگری و هیچ فرد و نهادی حتی دولت و مجلس نیز حق تضییع حقوق ملت را ندارند.

در ادامه متن این طومار می‌خوانیم: طبق اصل ۹ قانون اساسی هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را هرچند با وضع قوانین و مقررات سلب کند.

در پایان این متن، آمده است: لذا جامعه کارگری ایران که ۵۴ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد از نمایندگان مجلس می‌خواهد تا لایحه اصلاح قانون کار را به دلایل ذیل کان لم یکن تلقی و آن را به دولت عودت کنند.

۱- لایحه اصلاح قانون کار مغایر با قانون اساسی است. ۲- قانون کار باید جامع باشد، یعنی جنبه و رویکرد آن در حمایت از کارگران باشد، مانع باشد از ظلم و ستم بهره‌کشی و استثمار کارگران جلوگیری کند، این لایحه این ویژگی‌ها را ندارد. ۳- لایحه اصلاح قانون کار مغایر با مواد ۲۵ و ۷۳ قانون برنامه پنجم توسعه است. ۴- لایحه اصلاح قانون کار حاکمیت اراده کارگر در عقد قرارداد کار را نابود کرده و روابط کار ظالمانه را به دنبال خواهد داشت.

۵- در لایحه اصلاح قانون کار شاهد نابودی تشکل‌های کارگری و مذاکرات سه جانبه هستیم. ۶- با لایحه اصلاح قانون کار حق اعتراضات و اعتصابات صنفی از کارگران دریغ شده است. ۷- با لایحه اصلاح قانون کار افزایش حداقل دستمزد سالیانه کارگران را نخواهیم داشت. ۸- با لایحه اصلاح قانون کار منابع سازمان تامین اجتماعی نابود خواهد شد و به دنبال آن شاغلان و بازنشستگان با بحران جدی روبرو خواهند شد.



پایان موفقیت آمیز اعتصاب کارگران شرکت قالبهای صنعتی سایپا

در پی جلسه بی نتیجه بعد از ظهر دیروز که مابین ده نفر از نماینده های کارگران و سه نفر از مدیران ارشد سایپا برگزار شده بود، کارگران شرکت قالبهای صنعتی سایپا حاضر به پایان اعتصاب نشدند و تا ظهر امروز به اعتصاب خود ادامه دادند.

دیشب کارگران اعتصابی شیفیت ۲ کارخانه، مانع خروج قطعات تولیدی از کارخانه شدند طوری که بنا بر اظهار کارگران، خط تولید شرکت سایپا (شرکت مادر) به مدت ۹ ساعت مختل شد.

در ادامه این اعتصاب، از ساعات اولیه صبح امروز کارگران در سالنهای مختلف کارخانه دست به تجمع زدند و مصممانه بر ادامه اعتصاب تاکید کردند تا اینکه بار دیگر جلسه ای مابین نماینده های کارگران و مسئولین ارشد سایپا (شرکت مادر) برگزار و با هر شش خواست آنان بعلاوه تغییر مدیریت شرکت موافقت شد و مدیر امور کارکنان شرکت نیز که نماینده اصلی کارگران را تهدید کرده بود از کار اخراج گردید. شش خواست کارگران که مورد موافقت قرار گرفته است به شرح زیر می باشد:

۱- افزایش حقوق پرسنل شرکت و پیمانکار (زیر ۱۲ سال)

۲- شارژ مرتب ماهیانه بن کارت با مبلغ مشخص

۳- پرداخت آکورد ماهیانه بطور مرتب و مستمر

۴- تسریع در ادامه روند بازنشستگی پرسنل (مشاغل سخت و زیان آور) و تسریع در پرداخت حق سنوات پرسنل بازنشسته که به مدت یک و نیم سال است به تعویق افتاده است

۵- پرداخت بدهی شرکت به تعاونی مصرف که باعث اختلال در روند خدمات دهی این بخش به کارکنان شده است

۶- تغییر وضعیت کارکنان پیمانکار و روز مزد به قرار دادی.

در پی این توافقات حوالی ظهر امروز کارگران اعتصابی شرکت قالبهای صنعتی سایپا به اعتصاب خود پایان داده و بر سر کار هایشان بازگشتند.

گزارش پیام سندیکا از کشاورزان سیب زمینی کار



با آمدن روزهای برداشت محصول سیب زمینی توسط کشاورزان، دلایان این رشته به تکاپو افتاده و سیب زمینی را با نرخ کمتر از ۳۰۰ تومان کیلویی از کشاورزان زحمتکش می خرند

در حالی است پول سیب زمینی خریداری شده سال گذشته این زحمتکشان هنوز پرداخت نشده است.

کشاورزان می گویند قیمت سیب زمینی در بارفروشی ها بیش از ۶۰۰ تومان است و همان موقع هم پول را می گیرند. در حالی که کشاورز با یکسال زحمت و هزینه کرد سم، کود، کارگر، سودش کمتر از ۳۰۰ تومان در یک کیلوانهم با چک های مدت دار تا یکسال سهمش است ولی دلایل در طی هفته ۳۰۰ تومان در یک کیلو سود به جیب می زند.

متأسفانه رویکرد دلالت مابانه دولت در بخش کشاورزی موجب نابودی کشاورزان و کشاورزی گشته است. آیا ما باید به دستور صندوق بین المللی پول فقط نفت تولید کنیم و سیب زمینی را هم از خارج وارد کنیم؟

نابودی صنعت، کشاورزی، دامداری، شیلات، باغداری خواست سرمایه داری جهانی در کشورهای نفت خیز است.

گزارش پیام سندیکا از واردات لاستیک



لاستیک چرخ فرغون هم از خارج وارد می شود. بنا به آمار منتشره از مرکز آمار ایران در ششماهه اخیر ۱۳۲ هزار تن لاستیک چرخ فرغون به مبلغ ۱۷۲ میلیون دلار وارد کشور گشته است. این در حالی است که کارخانه های لاستیک سازی همچون البرز و دنا و دیگر کارخانه های لاستیک سازی در حال رکود بوده و کارگزارانشان را اخراج می کنند.

کارگران این کارخانه ها به درستی می پرسند که این سیاست وارد کردن لاستیک به چه دلیل اجرا می شود؟ در صورتی که این کارخانه ها می توانند بخوبی این محصول را تولید کرده و کارگران بیکار را شاغل کنند.

اخبار کارگری از شرکت واحد اتوبوسرانی تهران

به نام دادگر

۱- مدیریت سامانه یک و سفر هر ساله به کربلا

مسولین شرکت واحد و مدیریت سامانه یک گویا وظایف خود را بکلی فراموش کرده اند. آقایان آنچنان بار سفر را می بندند و راهی کربلا میشوند که گویی هیچ مشکلی در محل خدمت آنها نمانده که انجام دهند. الویت و عجله برای سفرهای زیارتی (کربلا) گویای عدم پابندی مسئولین شرکت به مسوولیت خود و اخلاق کاری را دارد.

آقای مدیر اگر بود و نبود شما یکی است بهتر نیست میز خود را به دیگری واگذارید تا حداقل باری از دوش پرسنل برداشته شود. هر ساله شما تعدادی از نور چشمی های خود را به کربلا می برید و در پاسخ سایر متقاضیان به سفر می گوئید که اسم شما در قرعه کشی در نیامده است. جالب است با این دروغ بزرگ به سفر زیارتی هم میروید. آقای مدیر اگر حرف شما حقیقت دارد چرا قرعه کشی در حضور کارکنان انجام نمی گیرد؟ آیا انگیزه شما فقط زیارت است یا ،،،،،،،،

قطعا شما باید روزی پاسخگوی اعمال فرا قانونی خود باشید که آن روز دیر نیست.

۲- آقای شهردار: آلودگی هوای تهران از مرز هشدار گذشته است.

همکاران گرامی بیش از یک هفته است که ابری از آلودگی هوای تهران را فرا گرفته و بسیاری را به کام مرگ (به ویژه بیماران قلبی) فرستاده است. طبق آمار ارایه شده سالانه تا ۷۰۰۰ نفر بر اثر آلودگی هوای تهران و بالغ بر ۳۵۰۰۰ نفر از بیماران قلبی بر اثر این معضل جان خود را از دست می

دهند. شهردار تهران که مدعی کار و خدمت برای مردم می باشد طی سالهای شهردار شدنش چه اقدامی را در جهت رفع آلودگی هوای تهران انجام داده است.

سؤال کارگران از شهردار این است: چطور شما و مدیریت دست نشانده تان آقای سنجلی در هنگام اعتراضات کارگران شرکت واحد جهت احقاق حق مسکن و حقوق معوقه خود نظیر (طبقه بندی مشاغل، حق جذب، سرویس ایاب و ذهاب، افزایش نرخ تولید،،،،) تمام اقدامات پیشگیرانه را از قبل انجام میدهید و ضمن سرکوب اعتراضات و بی اعتنائی به خواست کارگران، تمام اقدامات امنیتی را جهت کنترل کارگران معترض پیش بینی می کنید ولی در رابطه با آلودگی هوا که بشدت جان کارگران و رانندگان شریف شرکت واحد را در سطح شهر به خطر انداخته کاری انجام نمی دهید؟ هنر و پیش بینی شما و مدیریت شرکت واحد فقط باید در جهت سرکوب کارگران باشد؟

شما و مدیریت شرکت واحد چرا تاکنون فکری به حال اتوبوس های فرسوده شرکت که باعث آلودگی هوای تهران است انجام نداده اید؟

مسئولین تحت امر شما حتا از دادن ماسک به رانندگان و پرداخت حق آلودگی هوا به کارگران شرکت واحد، که جزو حداقلهای است، هیچ اقدامی نکرده اند.

آیا نمیتوان در این روزها سهمیه شیر روزانه را افزایش داد؟

آیا نمی توان ساعات کاری پرسنل را کم نموده و با توجه به نیروهای مازاد مناطق اشتغال آنها را به ۳ شیفت انجام داد؟

آیا نمی توان پاداشی برای کارگران در نظر گرفت؟

متأسفانه دغدغه های مسوولان منوط به تعدیل نیرو، ادامه روند خودمان سازی، حذف اندوخته های کارگران، شرکت در مراسم ها و ظاهر شدن در رسانه های ملی جهت رسیدن به مقامهای بالاتر میباشد.

۳- گلایه های رانندگان خط یک و بی اعتنائی مسئولین بهره برداری

مدتی است که خط یک brrt در ابتدا و انتهای خط با کمبود اتوبوس مواجه گشته به طوریکه در بعضی از ساعات خصوصا ساعات پیک بعلت کمبود اتوبوس و بالا رفتن حجم مسافر در این دو ایستگاه دیگر ظرفیتی برای حمل مسافر بین راه نمی ماند و رانندگان با انواع تنش ها جهت آرام کردن مسافرین و خط سعی در خدمات دهی دارند.

در ساعات میانی روز که نیم راهای آخر اتوبوس ها میباشند این مشکل دوچندان شده است.

عوامل خط از رانندگان می خواهند با توجه به نیاز خط زودتر اقدام به برداشت مسافر کنند و این درخواست باعث زودتر رسیدن رانندگان به مقصد می شود و عوامل خط در شرق و غرب ، رانندگان را مورد مواخذه قرار می دهند. در مواردی هم اقدام به کسر کرایه از رانندگان می نمایند.

سؤال اینجاست : آقایان اگر با توجه به نیاز خط از رانندگان درخواست برداشت مسافر شود چرا با مقصد در دو طرف هماهنگ نمی شود که مورد بی اعتمادی رانندگان نشود. اگر شما نیاز دارید پس کسر کرایه چه معنی دارد؟

مسئول محترم بهره برداری چرا راننده در شروع کار ۴۰ دقیقه زودتر شاغل می شود شما از او توضیح می خواهید.

آیا عواقب اینکار غیر قانونی را شما برای راننده روشن کرده اید که در صورت بروز هر حادثه (که در گذشته هم اتفاق افتاده) چه بلایی سر او و شیفت صبحکار خواهد آمد؟ قطعا هیچکدام از شماها مسوولیتی را نخواهید پذیرفت و در صورت پافشاری او را مواخذه هم میکنید که خودت زودتر از ساعت تعرفه حرکت کرده ای.

کمی فکر کنید و با بی مدیریتی خود رانندگان را با ندانم کاری با دردرس مواجه نکنید

۴- کارگران ایران اعتراض کوبنده خود را از طرح ضد کارگری "اصلاح قانون کار" در مقابل خانه ملت فریاد زدند.

در روز ۲۵ آبان ماه به دنبال فراخوان سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، کارگران شرکت واحد از همه نقاط شهر تهران بزرگ و ... همانند قطره های باران که به دریا می پیوندند ذره ذره به جمع کارگران معترض به این طرح ضد کارگری پیوستند. این لایحه که از ذهن بیمار سران صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و سیستم مالی سرمایه داری جهانی تراوش کرده است، باعث شد لحظه به لحظه بر حضور جمعیت دوستداران سندیکای همیشه سرفراز شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه افزوده شود که نهایتاً در ساعت ۱۰ صبح با حضور جمع کثیری از رانندگان و کارگران لباس آبی شرکت واحد این حضور فعالانه قوام یافت و شرکت کنندگان با شعارهایی از جمله: اصلاح قانون کار ملغی بایدگردد، تامین اجتماعی حق مسلم ماست، دستمزد عادلانه حق مسلم ماست، کارگر معلم دانشجو اتحاد اتحاد، کارگران بیدارند از حق کثی بیزارند، اصلاح قانون کار توقف توقف، منتخبان ملت حمایت حمایت و... با حضور پرشور و متحدانه خود که توسط همه گروههای رانندگان و کارگران قسمتهای مختلف شرکت واحد در این اعتراض با تلاشی چشم گیر شرکت کرده و مخالفت قاطعانه خود را با این طرح ضد کارگری که پوشش تامین اجتماعی و بیمه ای کارگران را با قصد غصب این سرمایه پرارزش را دارند، که ذره ذره با وجود کارگران و همت بالای پدران و کهنسالان ما از روز استخدام با سهم ۷ درصدی کارگری خود این اندوخته پرارزش را پایه گذاری و حفاظت کرده اند، مخالفت قاطعانه خود را با این طرح ضد کارگری فریاد زدند. این فراخوان با استقبال و مراجعه جمعی که باحضور همه کارگران از جمله گروهی از کارگران سندیکاهای فلز کار مکانیک و اتحادیه کارگران پروژه ای ایران و اتحادیه آزاد کارگران و گروهی از کارگران حامی شوراهای کارگری و جمعی از آموزگاران و زحمتکشان عرصه علم و اندیشه و بخشی از دانشجویان و... در این جمع اعتراضی شرکت داشتند و صدای اعتراض محتدانه خود را به گوش مسوولین رساندند. جمعیت معترض از ضلع شمالی مجلس اقدام به راهپیمایی مسالمت آمیز تا درب شمالی مجلس و بازگشت به درب شمال غربی مجلس شورای اسلامی پایان دادند.

****کارگر متحد همه چیز کارگر تنها هیچ چیز**

قطره دریاست اگر با دریاست و رنه او قطره و دریا دریاست...**



۵- بازهم بی تدبیری و بی لیاقتی مدیریت شرکت واحد حادثه ای دیگر آفرید

در صبح روز ۲۳ آبان ماه ۹۵ پس از سرویس کاری یک دستگاه اتوبوس ۲ کابین یوتانگ در بالای چال سرویس نت سامانه ۵، بر اثر سهل انگاری مسولین و فقدان ایمنی کار برای حفاظت از جان کارگران بخش سرویسکاری (نت) بر اثر ضربه اتوبوس از لبه چال سرویس به داخل چال سرویس سرنگون شده و قبل از سقوط به کف چال سرویس سر و بخشهایی از صورت کارگر مصدوم به لبه تیز منبع روغن سوخته رونده، نصب در بالای چال سرویس، برخورد کرد و شدیداً پاره شد. که منجر به خونریزی شدید کارگر شاغل در شرکت گواه (مامور به شرکت واحد) گردید. متأسفانه این کارگر حادثه دیده قبل از رسیدن به بیمارستان جان به جان آفرین تسلیم نموده است.

متأسفانه مدیریت شرکت واحد چنان سرگرم واگذاری شرکت واحد به بخش خصوصی است که هیچگونه توجهی به ایمنی و بهداشت محیط کارگاه نمی نماید. این حادثه و دو حادثه دیگر طی دو ماه اخیر و حوادث مکرر و پی در پی که تماماً به دلیل کوتاهی و قصور در امور محوله صورت می پذیرد، حوادث مرگباری را در شرکت واحد رقم زده است و هیچ مشخص نیست که شورای عالی حفاظت فنی و کمیته ایمنی کارگاه به چه کاری مشغول هستند...

بارها و بارها مسایل ایمنی کار به صورت تذکرات پی در پی به مسولین اطلاع رسانی شده ولی متأسفانه ظاهراً "مدیریت شرکت کارهای مهم تر از حفاظت از جان کارگران و پرسنل (واگذاری شرکت به شرکتهای خصوصی و خودی های عزیز کرده که متأسفانه از بستگان نسبی، سببی و ...) دارد.

این حادثه نشان داد که جان کارگران شرکت واحد برای مدیریت اهمیتی ندارد.

****کارگر متحد همه چیز** کارگرتنها هیچ چیز

قطره دریاست اگر با دریاست ورنه او قطره و دریا دریاست

۶- مدیریت ابزاری آقای هاشمی و معضلات سامانه یک

همکاران گرامی سامانه یک، بیش از یک سال از حضور مدیریت سامانه یک می‌گذرد. نگاهی اجمالی به نحوه مدیریت ایشان نشان می‌دهد که آقای هاشمی در کار مدیریت خود مسایل حقوقی و رفاهی پرسنل را آخرین گزینه کار و وظایف مدیریتی خود می‌داند. از تاخیر در گرفتن هتل جهت سفرهای تابستانی کارکنان که منجر به لغو شدن سفر کارگران در تابستان ۹۵ گردید تا عدم حل معضل اتلاف وقت رانندگان خط یک در پایانه آزادی و دپوی شرق گرفته و تاخیر در تحویل لباس کار رانندگان که بایستی در ماه گذشته انجام می‌شد. بی نظمی در خط یک شرکت واحد و نداشتن اتوبوس در ساعات پیک مسافر و نبودن مدیریتی صحیح و منطقی در رفع این معضل کار را برای رانندگان سخت کرده است. رانندگان از صبح تا شب مدام از طرف عوامل خط تهدید به قطع اضافه کار و تغییر شیفت می‌شوند. بار اتوبوس (خراب) نقص فنی را باید تحمل کنند و در نهایت در صورت اعتراض می‌بایست محل خدمت خود را عوض کنند. اجبار و تهدید به رانندگان جهت جابجائی مسافرین در ۶ نیمراه توسط عوامل ایشان را نیز باید اضافه نمود.

آقای مدیر، با تهدید و ارباب و حمایت‌های کور کورانه شما از عواملی که با خود به سامانه یک آورده اید نمی‌توان سامانه یک را سامان داد. متأسفانه شما به اعتراضات رانندگان و کارکنان توجه ننموده اید و این مشکلات را هر روز افزایش می‌دهد. رانندگی با تهدید ارباب نمی‌شود. راننده باید با وحشت کسر کرایه و کسر کار، روز خود را سپری نماید چون عوامل شما حتی توان بهره برداری بهینه با این تعداد اتوبوس را هم ندارد. یک مسوول شما اتوبوس را به داخل هدایت می‌کند، دیگری آنها را به بیرون می‌راند.

آقای مدیر باشد که این نقد کوچک به شنیدن صدای کارگران در جهت حل مشکلات پرسنل و رانندگان بی‌انجامد.

۷- آگاهی کارگران ناقوس مرگ مدیران

نگاهی تاریخی به سطح بینش و آگاهی کارگران در شرکت واحد، بدرستی نشان می دهد هر زمان که کارگران از سطح آگاهی بالایی نسبت به حقوق و جایگاه و حق شهروندی خود داشته اند میزان فشارها و سرکوب ها بیشتر شده است. این برهه تاریخی نیز یکی از آن فصول تابناک رشد و بالندگی کارگران می باشد.

در هر سامانه ای اتاقی به نام آموزش وجود دارد ولی هیچگاه در جهت آموزش واقعی و آشنایی کارگران با قوانین کار و حقوق خود برنامه ای نداشته اند، چون مدیران نیک آگاهند آگاهی کارگران مصادف است با مرگ تدریجی آنها. کارگر آشنا به حقوق خود و قوانین کارگری بدرد کارفرما نمی خورد.

آیا اتاق آموزش در سامانه ها نباید به اتاقی جهت آموزش، بهداشت، فنی،،،،، تبدیل شود؟ شورای فرمایشی شرکت واحد کاری جز جانبداری از مدیریت و بله قربان گوئی کار دیگری بلد نیستند، بهتر نیست که خودی نشان دهند؟ اگر حداقلی از اخلاق و وجدان داشته باشند کمترین کار تقاضای وقتی جهت آموزش و پاسخ به سوالات کارگران می باشد

کوتاه سخن، کارگران با پیوستن و همراهی با نمایندگان واقعی خود در سندیکای شرکت واحد، ضمن بالا بردن سطح آگاهی خود بسان سدی آهنین در مقابل سو استفاده ها و در جهت احقاق حقوق اولیه خود گام بر خواهند داشت.

۸- مسکن کارگران بازیچه دست شهرداری و مدیران

نگاه غیر انسانی شهرداری و مدیران شرکت واحد به کارگران ، مسکن آنان را تبدیل به یک رویا کرده است. آقای شهردار، شما که دم از کار و وجدان می زنید چه پاسخی دارید به کارگری که پس از ۲۰ سال کار سخت و طاقت فرسای راندگی بدون سرپناه و مستاجر ، بازنشسته می شود.

آقای سنندجی مدیر عامل منصوب شما، آنقدر سرمست از توجهات بی دریغ شما است که حتی پاسخ اطلاعاتیه صادره از خود جهت مسکن که در مناطق نصب شده است را نمی دهد.

علت عدم پیگیری و پاسخگویی مدیریت در رابطه با لیست و اطلاعاتیه مسکن اعلام شده در مناطق چیست؟ آیا بازی جدیدی را با کارگران راه انداخته اید؟

برخورد مزورانه و دوگانه شما با کارگران آتش خشم و غضب کارگران را در موضوع مسکن هر روز شعله ور کرده و این را بدانید که کارگران هوشیار و آگاه شرکت واحد تا گرفتن حق مسکن خود از پای نخواهند کشید.

۹- سوال بزرگ کارگران و رانندگان شرکت واحد: مدیریت به چه می خندد؟

نگاهی به عکسهای مدیریت بروی صفحه جلد پیک واحد (نشریه دروغین داخلی) و صفحات داخل آن بصورت دوره ای نشان می دهد مدیریت شرکت واحد در تمامی عکسها با ژستی آراسته و خندان در جلوی دوربین حاضر شده است. در شرکت بزرگ کارگری مانند شرکت واحد، کارگران با انواع مطالبات معوقه نظیر (مسکن، دستمزد، حق جذب، طبقه بندی مشاغل،...) درگیر می باشند و فقری نسبی کارگران و خانواده های شان را در بر گرفته است، چطور می شود یک مدیر با چنین بی خیالی و بدون دغدغه با خنده های جلف ظاهر شود. گویی در شرکت واحدهیچ مشکلی نیست.

به راستی مدیر از چه چیز خوشحال است؟ از اینکه کارگران دستمزدشان کافی نیست؟ از اینکه دندان های کارگران هر روز خرابتر می شود و کارگران دستمزدهایشان به قدری نیست که دندان هایشان را مداوا کنند؟ شاید به این می خندد که سومدیریتش که باعث بالا رفتن هزینه ها شده هنوز مورد مواخذه قرار نگرفته؟ شاید هم خنده اش برای ناوگان فرسوده و حادثه خیزی است که هر روز در شهر روان است؟ به هر حال آقای مدیر خنده های شما نمی تواند سومدیریت تان را به فراموشی بسپارد. عملکرد حضرتعالی به هیچ عنوان از ذهن کارگران و تاریخ شرکت واحد پاک نخواهد شد.

کارگران سندیکای فلزکارمکانیک به سوالات نشریه پیام سندیکا چنین پاسخ می گویند



حمید شرقی عضو سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

پیام سندیکا : نظر شما درمورد سرمایه گذاری خارجی در اقتصاد ایران و نتایج آن چیست؟

سرمایه‌گذاری خارجی در اقتصاد ایران مسبب ناتوان شدن سرمایه گذاری ایرانی خواهد شد. از طرفی هم باعث رونق اقتصادی و اشتغال زایی میشه در نهایت سود آن از ایران خارج شده و وابستگی ایران بیشتر خواهد شد. باید سعی کنیم دولت موظف به سرمایه‌گذاری داخلی بشه بجای اینکه در لبنان و سوریه و عراق و افغانستان و یمن سرمایه‌گذاری کنه از تولید کنندگان داخلی حمایت و پشتیبانی کنه.

نظر شما در مورد دستورات صندوق بین المللی پول و نتایج آن چیست؟

صندوق بین‌المللی پول بخاطر منافع خودشان سرمایه‌گذاری می کنند. صندوق بین‌المللی اگر بصورت وام طولانی مدت و با سود جزیی وام بده خوبه و بهتر

اینه که دولت تلاش کنه سرمایه‌گذارهای ایرانی که در خارج از کشور سرمایه‌گذاری کردند را بیارند ایران و از طرفی هم بدهکاران بانکی وام‌های مختلف کلان گرفتند قرض‌الحسنه هم هست پس بگیرند. دولت باید جلوی رانت خواری و اختلاس و دزدی‌های میلیاردی را بگیرد. و برای بزرگترین تولیدات داخلی سرمایه‌گذاری همیشه کرد و نیازی به سرمایه‌گذاری خارجی نخواهیم داشت.

برخورد سندیکا و به ویژه نشریه پیام سندیکا با دولت آقای روحانی چگونه باید باشد

برخورد سندیکا از دولت روحانی انتقاد از عملکرد دولت در رابطه با خواسته‌های صنفی و سندیکایی کارگران و اصلاح قانون کار، امنیت شغلی برای همه حقوق بگیران و کارگران باید باشه که کارگران بتوانند از حداقل حقوق زندگی نسبی برخوردار بوده یک رفاه نسبی داشته باشند. در حال حاضر روز به روز کارگر ضعیفتر و بیکار شده زندگی شان فلج میشه. زنده موندنشان با اعمال شاقه شده طبق قانون کار دولت موظف به تامین زندگی ۴ نفر عایله یک کارگر رو برآورده کنه.



محمد حسین زهماسب پور عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

پیام سندیکا : نظر شما درمورد سرمایه‌گذاری خارجی در اقتصاد ایران و نتایج آن چیست؟

سلام سوالات خوبی مطرح کرده اید من به اجمال نظر مرا مینویسم حضوری به تفصیل صحبت می کنیم. در مورد سرمایه گذاری خارجی، ایران شدیداً نیاز به ایجاد اشتغال و خروج از رکود دارد و راهش سرمایه گذاری است. سرمایه گذاری کلان، همچو سرمایه در داخل نیست، اگر پولی هم دست داخلی هاست اهل سرمایه گذاری نیستند، بنابراین جذب سرمایه خارجی لازم است البته معلوم است سرمایه خارجی به این آسانی نمیدانند چنانچه تاحال نیامده، امنیت میخواد و سود. باید امنیت را ایجاد کرد در مورد شرایط، باید دقت شود منافع ملی از جمله حقوق نیروی کار حفظ شود.

نظر شما در مورد دستورات صندوق بین المللی پول و نتایج آن چیست؟

در مورد صندوق بین المللی پول و بانک جهانی تا آنجاکه اطلاع دارم این دو موسسه برای کمک به کشورهای نیازمند تاسیس شده اند خیلی جاها هم سرمایه شان برنگشته. انقلاب شده کشور و رشکست شده و... بستگی دارد چه کشوری وام می گیرد و چگونه خرج می کند. من از دستورات و شرایط صندوق خبر ندارم خوشحال می شوم آنها را بدانم در هر صورت اینجا هم باید منافع ملی و از جمله حقوق کارگر را ملحوظ گردد (اگر سرمایه گذاری است).

برخورد سندیکا و به ویژه نشریه پیام سندیکا با دولت آقای روحانی چگونه باید باشد

برخورد سندیکا را جسارت نمی کنم. اما من به روحانی رای داده ام و او را بر رقبایش از قبیل جلیلی و قالیباف ترجیح داده ام و از موضع او و دولتش در برابر اصولگراها و دلوایسان دفاع می کنم. البته این دفاع توأم با انتقاد است. تاکید می کنم روحانی دولت ایده الم نیست بطور نسبی قبولش دارم، بنابر این در مقابل کوتاهی هایش بویژه در مورد طبقات زحمتکش سخت در موضع منتقدین هستم.

پیامد های خصوصی سازی در پالایشگاههای کشور



با خصوصی شدن پتروشیمی ها در ایران نه تنها موضوعات کارگری و چالش های مدیران با خواسته ها و حقوق کارگران هر روز شدت می گیرد بلکه به اعتراضات هم دامن زده می شود.

آنچه در این نگاه بررسی خواهیم کرد حوادثی است که در این مراکز تولیدی بزرگ به امری هر روزه و عادی بدل شده است.

آتش سوزی در پتروشیمی بوعلی به دلیل نشت از شیرگاز در سال گذشته که جان کارگری به نام شهرام محمدی را گرفت و این کارگر فداکار با تقدیم جان خود نگذاشت خسارت جانی و مالی بیشتری به این پتروشیمی وارد آید.

آتش سوزی در انبار ضایعات پتروشیمی بندر امام، آتش سوزی در پتروشیمی مبین در پارس جنوبی و آتش سوزی در پتروشیمی بوعلی و آتش سوزی در پالایشگاه نفت و گاز پیروزی شاهرود که آخرین آن در ششماه گذشته است. با اذعان کارشناسان آتش نشانی و دیگر متخصصان نشان از تمام شدن عمر قطعات و دست دوم بودن این قطعات است که باعث بروز این حوادث در پتروشیمی های کشور می شود.

آیا نباید پرسید چرا آتش سوزی ها در پتروشیمی های کشور و صنایع نفتی هر روز افزایش می یابد؟ و مدیران برای جلوگیری از این حوادث چه تدبیری اندیشیده اند؟ آیا مدیران این واحد ها این صدمات ناشی از این حوادث را درک کرده اند؟

خصوصی سازی و سیستم سرمایه داری با سود رابطه ای مستقیم دارند. مدیران جدید به دلیل اینکه سود را لحظه ای و نه دراز مدت می خواهند از نوسازی و بازسازی پتروشیمی ها طفره رفته با خرید وسایل دست دوم و غیر ایمن و ارزان ، در طی این سالها هزینه ها را کم و سود را افزایش داده اند. در ۲ حادثه اخیر پتروشیمی بوعلی و پتروشیمی شاهرود صدمات این آتش سوزی ها ۲ برابر بیش از سودی بوده که این مدیران در مراکز تولیدی طی این سالها برده اند. اینکه ثروت ملی ما در آتش سوذجویی و حماقت عده ای مدیر بیشعور و بی لیاقت سوخت و جان کارگران را گرفت بخشی از این ماجراست. مدیران و صاحبان این مراکز طی سال ها منافع حاصله را در بانکهای خارجی انباشته اند و بی تردید امروز به دنبال گرفتن وام های کلان از بانک های ایرانی هستند تا بخشی را هزینه نوسازی پتروشیمی ها آنها نه بصورت اساسی بلکه بصورت سرسری کنند و بخشی را هم به خارج از کشور برده سرمایه گذاری و یا سپرده گذاری کنند. این گونه رفتارها از نگاه مدیران به وضعیت جامعه برمی خیزد، که آینده ای را برای خود متصور نیست و می خواهد همین امروز به سودش دست یافته و بی خیال فردا باشد.

تا چند سال آینده از پتروشیمی ها چیزی جز صنایع فرسوده و پر خطر باقی نخواهد ماند و هر روز آتش سود سیستم سرمایه داری جان کارگران بیشتری را خواهد گرفت. تنها راه حفاظت از این ثروت ملی بازگشت این صنایع کلیدی به دامن صنایع کشوری است با مدیرانی از جنس کارگران و مدیران با لیاقت که کم هم نیستند، می باشد.

طبقه کارگر ایران و نفتگران
وظیفه کارگران پتروشیمی ها در قبال این غارت، بس حساس و تاریخی است. ایجاد سندیکاهای کارگری و یا پیوستن به سندیکاهای کارگری موجود مهمترین کاری است که کارگران برای دفاع از ثروت ملی باید انجام بدهند. کارگران با اعتراضات سازماندهی شده گسترده و ایجاد رابطه بین همه پتروشیمی ها باید نه تنها از جان خود حفاظت کنند بلکه باید از منافع ملی خود نیز دفاع کرده با اعتراضات و اعتصابات متحدانه این سیستم فاسد را از بین ببرند.

تحریریه پیام سندیکا

تهدید حقوق بنیادین کار با گسترش مناطق آزاد!



ایلنا: ناصرجمنی نسبت تهدید امنیت شغلی کارگرانی که قرار است با توسعه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی از حقوق صنفی خود محروم شوند، هشدار داد. عضو هیات مدیره کانون عالی انجمن های صنفی سراسر کشور گفت: ظاهراً تمایلی که از حدود دو دهه قبل در میان گروهی از مسولان دولتی و نمایندگان مجلس برای ایجاد مناطق آزاد و ویژه اقتصادی به وجود آمده بود، همچنان سیری ناپذیر است. وی همسویی که میان دولت یازدهم با نمایندگان مجلس دهم بر سر توسعه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی وجود دارد را دلیل اثبات ادعای خود دانست و افزود: ظاهراً در این میان اگر هم اختلاف نظری میان دولت و مجلس باشد بر سر شمار مناطق یاد شده است. به نظر می‌رسد که در این میان نه نمایندگان مجلس و نه مسولان دولتی هیچکدام تمایلی به جویا شدن نظر کارگران ندارند و این درحالی است که از زمان احداث نخستین مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کارگران همواره پای ثابت زیان‌کنندگان بوده‌اند. صرف نظر از اینکه منتقدان اقتصادی معتقدند که کارکرد مناطق آزاد و ویژه اقتصادی چیزی جز هرچه بیشتر وابسته کردن اقتصاد ایران نبوده است. واقعیت غیرقابل انکار این است که به دلیل معافیت کارگاه‌های این مناطق از مقررات حمایتی قانون کار، کارفرمایان مستقر در این مناطق خود را پایبند رعایت حقوق کارگر نمی‌دانند. چارچوب حقوقی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی به گونه‌ای است که این مناطق بیشتر در جهت معکوس ایجاد اشتغال پایدار، خودکفایی صنعتی کشور کارکرد داشته‌اند و در عمل شرایط مساعد ناشی از معافیت‌های متعدد مالی-اداری حاکم در این مناطق باعث شده است تا جریان سرمایه‌داری در صدد تعمیم این وضعیت به سایر نقاط کشور برآید. البته مدافعان توسعه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی از تمامی ابزارها برای خوب جلوه دادن مقصود خود برخوردارند، به عنوان مثال ممکن است در یک برنامه تلویزیونی برای همه از جذابیت‌های زندگی در مناطق و رانندگی با خودروهای مدل بالای خارجی صحبت شود، غافل از اینکه در نهایت چنین موهبتی تنها نصیب افراد معدودی خواهد شد و در عمل افرادی که در این نواحی به عنوان کارگران مشغول کارند باید همواره نگرانی معاش، امنیت شغلی و بهداشت و ایمنی کار را داشته باشند.

رئیس انجمن صنفی کارگران چادرملو:

عدالت حکم می‌کند لایحه اصلاح قانون کار مسکوت بماند

خبرگزاری ایلنا: رئیس انجمن صنفی کارگران معدن چادرملو می‌گوید: نمایندگان مجلس که منتخب کارگران و دستمزدبگیران هستند، بایستی در جهت منافع عام ملت، لایحه اصلاح قانون کار را به دولت برگردانند.

«اکبر علیپور»، رئیس انجمن صنفی کارگران معدن چادرملو (شرکت آسفالت طوس) در گفتگو با ایلنا در ارتباط با لایحه اصلاح قانون کار و بررسی آن در مجلس گفت: شرط عدالت این است که نمایندگان مجلس که منتخب خود کارگران هستند، دست به اقدامی نزنند که ضرر و زیان آن متوجه موکلان آنها باشد و در اسرع وقت لایحه را به دولت برگردانند.

وی با اشاره به امضای طوماری که توسط بیش از دوهزار کارگر این واحد معدنی خطاب به مجلس امضا و ارسال شد، گفت: حرف ما در این طومار مشخص است، قانون کار متعلق به کارگر است و بدون اعمال نظر مستقیم کارگران نباید تغییر کند. کارگران خواستار اجرای بی‌کم و کاست سه جانبه‌گرایی هستند. همانطور که کارگر سهم خود را در سازندگی و تولید ادا می‌کند و از جان و هستی خود برای پیشرفت مملکت مایه می‌گذارد، مسوولان نیز باید کارگران و تشکل‌های آنها را در تصمیم‌گیری‌های حوزه روابط کار سهیم بدانند.

این فعال صنفی افزود: مسوولان نباید کارگران را دست‌پایین بگیرند و ابزار نارضایتی آنها را با اتخاذ تصمیمات ضد کارگری فراهم کنند.

علیپور در پایان تصریح کرد: همانطور که کارگران به نمایندگان مجلس رای می‌دهند و در انتخابات در صف اول شرکت می‌کنند، بطور متقابل از مجلس نشینان توقع حمایت دارند و باید گفت امروز زمان این حمایت فرا رسیده، لذا کارگران منتظرند که نمایندگان هرچه سریعتر لایحه را به دولت برگردانند.

بی‌حقوق کردن کارگران در پس لایحه اصلاح قانون کار



آنچه در پس لایحه اصلاح قانون کار است بی‌حقوق کردن کارگران و تسلیم آنان مقابل تصمیمات اقتصادی خامانسوز است.

«عبداله وطن خواه» در گفتگو با ایلنا با اعلام این مطلب، اظهار داشت: بی‌حقوق کردن کارگران همواره با شدت و حدت مختلفی توسط دولت‌ها دنبال می‌شد اما حالا کار به جایی رسیده که دولت یازدهم از بیشترین توان برای تعدیل قوانین حمایتی و آمره قانون کار برخوردار شده است. البته پیش زمینه تعدیل قوانین حمایتی یا به عبارت دیگر بی‌حقوق کردن کارگران در ادامه رویکردهای دیکته شده سازمان تجارت جهانی و صندوق بین‌المللی پول بوده است چراکه خصوصی‌سازی اقتصاد در غبار آلودترین فضای ممکن صورت می‌گیرد و در نتیجه شاهد تاراج اموال عمومی از سوی و ایجاد و انباشت انبوهی از سرمایه‌های غیر مولد از سوی دیگر هستیم. نتیجه پیگیری این سیاست چیزی غیر از تعمیق شکاف طبقاتی و نابرابری انبوه زحمت کشان شهر و روستا از وظایف حاکمیتی دولت به جهت شانه خالی کردنش از اجرای قانون اساسی به ویژه اصل ۴۳ نخواهد بود.

وی افزود: هم اکنون بخش خصوصی را دولت اداره می‌کند و بخش دولتی هیچ متولی ندارد چراکه اگر دولت دغدغه‌ای در این بخش داشت از قانون کار به عنوان یکی از فراگیرترین قوانین بعد از قانون اساسی حفاظت می‌کرد تا کرامت انسانی کارگران به خط نیفتد.

عضو هیات مدیره مجمع صنفی نمایندگان کارگری استان تهران در خصوص چرایی پهن کردن فرش قرمز برای سرمایه‌گذاران خارجی به هر قیمتی افزود: به زودی دولت متوجه می‌شود که کشور را به کارخانه تولید اجناس ارزان قیمت سایر کشورها تبدیل کرده است. سرمایه‌گذاران خارجی در کوتاه‌مدت به سرمایه‌گذاری در صنایع بالا دستی علاقه نشان خواهند داد از این رو باید متوجه بود که به حراج گذاشتن توان نیروی کار و کالایی فرض کردن آن تنها به پایین آمدن بهر موری و افزایش نارضایتی محرومان جامعه می‌انجامد.

دولت‌ها به جای تبعیت از الگوهای سرمایه داری نوین جهانی باید توسعه انسان محور را دستور کار قرار بدهند زیرا وقتی نیروی کاری که احساس ناامنی کند از هویت برخوردار نیست و در این حالت نمی‌تواند در چارچوب الگوهای اجتماعی فعالیت کند.

آنچه را با کارگر، سرمایه داری می‌کند

با کبوتر، پنجه ی باز شکاری می‌کند

می برد از دسترنجش گنج، اگر سرمایه دار

بهر قتلش از چه دیگر، پافشاری می‌کند

نارضایتی کارگران فلزکار از تاخیر در تحویل مسکن مهر



تعاونی مسکن کارگران فلزکارمکانیک از تاخیر چهار ساله در تحویل آپارتمان های مسکن مهر در پرنده، ابراز نارضایتی کردند .

تعدادی از کارگران فلزکار در تماس با اینلنا از تاخیر طولانی در تحویل مسکن مهر در پرنده ابراز نارضایتی کردند. به گفته این کارگران که سال ۹۱ قرارداد پیش فروش را با شرکت عمران پرنده امضا کرده‌اند، قرار بوده آپارتمان‌ها نهایت ظرف دو سال تحویل داده شود که اکنون با گذشت چهارسال، هنوز خبری از تحویل نیست.

در قراردادهای این کارگران ذکر شده که شرکت موظف است در صورت دیرکرد، خسارت پرداخت کند که تا کنون این مبلغ دیرکرد نیز به حساب کارگران واریز نشده است. کارگران مدعی‌اند تا کنون بیش از دوبرابر مبلغ قرارداد، پول واریز کرده‌ایم، اما هنوز هیچ آپارتمانی تحویل ما نشده است.

مسوولان شرکت عمران پرنده به کارگران عضو شرکت تعاونی مسکن فلزکار می‌گویند باید باز هم صبر کنید، این درحالی‌ست که مدت‌هاست کار ساخت آپارتمان‌ها در مرحله نازک‌کاری متوقف شده است.

ضرورت ساماندهی کارگران فصلی در مریوان



مسئول انجمن صنفی کارگران و استاد کاران ساختمانی مریوان و سروآباد: شهرستان مریوان از جمله شهرستان های استان کردستان است که بالاترین آمار کارگران ساختمانی را به خود اختصاص داده است. با این حال متأسفانه به دلیل نبود کار برای این همه نیروهای کار، جماعت بسیاری از همین کارگران ساختمانی در فصول مختلف سال راهی غربت می شوند تا بلکه برای امرار معاش خانواده های خود چاره ای بیاندیشند.

به گزارش ” شاری مه ریوان ” میکائیل صدیقی در گفتگو با خبرنگار ما ، افزود : با وجود این آوارگی ها و از سوی دیگر مخاطرات پیش روی این افراد و خانواده های آنان، متأسفانه آن چنان که باید این قشر کم درآمد مورد حمایت و پیگیری مسئولین امر قرار نمی گیرند. وی با بیان اینکه نگاه جامعه به کارگران ساختمانی در کشور بویژه کردستان علیرغم اهمیت بسیار و فعالیت این بخش در رونق اقتصادی بویژه در بخش ساختمان، نگاه حمایتی نبوده ، خاطر نشان ساخت : خیل عظیم مهاجران روستای، رونق ساخت و سازها در شهرها بویژه در کلانشهرها و نیاز به نیروی انسانی، تسلط کارفرمایان بر

کارگران ساختمانی، ضعف عملکرد مهندسان ناظر، علاقه مندی سرمایه گذاران بخش ساختمان به کسب سود هنگفت و... سبب شده تا استفاده از کارگران ارزان، بدون پرداختن بیمه و... شدیداً رواج پیدا کند. از سوی دیگر رقابت برای کسب و کار در بین کارگران ساختمانی و بیکاری مستمر آنان شرایط را برای تجمع آنان در فضاهای شهری فراهم کرده است.

وی با اشاره به این امر که میدان شبرنگ (شهید فهمیده) مریوان محل مناسبی برای دیدن انبوه این کارگران جویای کار است یاد آور شد: هر روز صبح چند مرد جوان، میانسال و حتی پیر نشسته اند. اگر به چهره هایشان دقت نکنی، فکر می کنی عده ای دلخوش هستند که آمده اند دور هم حرف بزنند و روزی را سپری کنند اما در نگاه دقیق تر چهره های آفتاب سوخته ای توجهت را به خود جلب می کنند، به تو می فهماند که این آدم ها به اینجا نیامده اند شطرنج بازی کنند. آنها فقط کار می خواهند با مزد. زن و بچه هایشان در منزل به انتظار آنها نشسته اند تا نان آورشان برسد. برای ساماندهی کارگران ساختمانی باید مکانی تعریف و معرفی شود و این امر باید اولویت شوراها و شهرداری قرار گیرد و این از سال ها قبل در دستور کار مجریان قانون نظام مهندسی ساختمان، و شهرداری ها و همچنین انجمن های صنفی بوده است. سامان دادن به فعالیت کارگران و صنوف ساختمانی یکی از اقدامات مهمی است که شورای شهر باید آن را در اولویت خود قرار دهد و همچنین باید سازندگان و پیمانکاران مکلف شوند که تنها از طریق این مکان ها نیروی کار مورد نظر را تامین کنند با این کار کارفرما نسبت به تجربیات و مهارت کارگران نیز اطمینان حاصل می کند و همچنین مشکل امنیت شغلی، بیمه و سایر مزایای کارگران نیز حل و فصل خواهد شد و نظارت های مطرح در قانون نظام مهندسی را نیز تسهیل و شهرداری ها نیز نظارت مناسب تری بر روند ساخت و سازهای شهری خواهد داشت.

صدیقی در رابطه با فعالیت های صنفی تصریح کرد: انجمن کارگران ساختمانی شهرستان مریوان سعی می کند تا ضمن شناختی عمیق از ساختارهای حاکم بر نحوه فعالیت کارگران ساختمانی، به راهکارهایی منطقی در سازماندهی و ساماندهی آنان دست یابد و از طریق تشریک مساعی و همکاری سازمان های چون فرمانداری، شهرداری، سازمان تامین اجتماعی،

اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی، اداره آموزش فنی و حرفه ای، نظام مهندسی و حمایت کلیه مسوولین، زمینه مناسب را برای کاهش مشکلات و تنگنایهای ایجاد شده در وضعیت معاش شاغلین در بخش ساختمان و رفع معضلات موجود در فضای شهری و استفاده قابلیت ها و توانمندی های این نیرو قدم های موثر بردارد.

وی در پایان بر ضرورت ساماندهی کارگران فصلی تاکید کرد و در این خصوص بیان کرد: امروزه کارگران فصلی نیز خواستار ارایه خدمات بیشتر و توجه مناسب تر از سوی مسوولان نسبت به این قشر از جامعه هستند بر همین اساس نیاز است که در این برهه از زمان ساماندهی کارگران فصلی در مریوان مورد بررسی و اجرا شود.

خطر سقوط مصالح

بارها پیش آمده است که آجری از دست یک بنا،

کیسه ای سیمان از شانهِ های یک کارگر

یا ورقه ای آهنی از قلاب یک جرثقیل لیز بخورد و پایین بیافتد

بعضی دردها تا ابد انسان را آزار می دهند

پس به من حق بده

آنقدر ترس در وجودم نهفته باشد

که هر وقت آغوش ات می گیرم

از صدای تکان خوردن گوشواره هایت

سایبر هاکا

بترسم!

مهار بحران بیکاری با اجرای پروژه های ملی

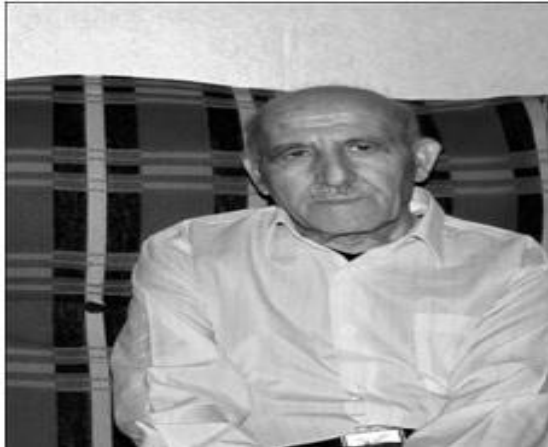
بهره برداری از ریل ملی ذوب آهن به دست توانای کارگران و متخصصان ایرانی در اوایل آبان ماه اجرایی شد. افزایش سطح خطوط راه آهن که ایمنی ۶۰ برابری نسبت به ناوگان جاده ای دارد مهار بیکاری را امکان پذیر می کند. برای توسعه ناوگان ریلی به ۳۰ هزار میلیارد تومان سرمایه گذاری در این بخش و در بخش واگن سازی نیازمند است. ۴۰ درصد ناوگان ریلی ایران فرسوده بوده و ساخت واگن های به روز سرعت لوکوموتیو ها را از ۱۲۰ کیلومتر به ۲۵۰ کیلومتر افزایش خواهد داد که باعث صرفه جویی ۳ هزار میلیارد تومانی در سال و صرفه جویی در مصرف سوخت و آلودگی هوا خواهد بود. با این سرمایه گذاری حداقل ۴۸۰ میلیون لیتر سوخت در کشور صرفه جویی خواهد شد.

با بهره برداری از ریل ملی در ذوب آهن یکی از جهت گیری های اقتصادی و صنعتی دولت می باید بهره گیری حداکثری از توان ریلی باشد. راه اندازی و اجرایی کردن و بازسازی نمودن ناوگان ریلی باعث افزایش ۱۰ درصدی اشتغال در ذوب آهن و ۳۰ درصدی در واگن سازی ها خواهد شد. این سرمایه گذاری به بحران بیکاری در مناطقی چون اصفهان ، اراک، تهران تا حدودی پایان خواهد داد. سرمایه گذاری در بخش های کلان صنعتی همچون ذوب آهن و فولاد و نظارت دقیق بر بازسازی و به روز رسانی این صنایع مادر به جای پروژه های زود بازده ، توان اقتصادی و صنعتی کشور را قوی و در راستای هر چه صنعتی تر شدن کشور می باشد.

در سالهای اخیر نقش سرمایه داری دلال در نابودی صنعت بخصوص صنایع سنگین مشهود بوده است. در همین چند ماهه اخیر که همه ارگانها از راه اندازی تولید ملی با خبر بودند چرا باید از هند و چین خریدهای سنگین ریل انجام گیرد؟

تحریریه پیام سندیکا

آقای رییس جمهور منتظر جوابم!



آقای رییس جمهور شنیدم که به کرج آمده ای. من که توان آمدن نداشتم برایت این را می نویسم و می دانم که جواب نخواهی داد. اما من به وظیفه خودم عمل می کنم.

ما بازنشستگان تا به امروز تلاش کردیم که با این گرانی یک جوری بسازیم. اما وقتی حرف های شما را که می گویی تورم تک رقمی شده را شنیدم خیلی ناراحت شدم ، چون هر چه تلاش کردم که این تورم یک رقمی را در جایی پیدا کنم، پیدا نشد.

آقای رییس جمهور گرانی کمر بازنشسته ها و کارمندان و کارگران و همه مزدگیران را خم کرده است. اگر ما بخواهیم مایحتاج یک خانواده ۴ نفری را در نظر بگیریم آن هم حداقل زندگی بخور و نمیر برای یک خانواده ۴ نفره کارگری بیشتر از ۲ میلیون تومان خرج بر می دارد.

یک خانواده ۴ نفری اگر بخواهد زندگی معمولی پایین شهری تهران ، مثلا پایین تر از شهری یا کهریزک زندگی کند کمتر از ۲ میلیون خرجش نمی

شود. در حالی که حداقل حقوق ۹۰۰ هزار تومان را که جنابعالی و وزیر شما برای ما تعیین کرده است.

اگر حداقل زندگی یک انسان در ایران مسکن، تحصیل فرزندان، خوراک، پوشاک، دارو، ایاب و ذهاب، مهمان هم که نباید داشته باشیم و مسافرت هم که اسمش نمی آورم که برای ما گناه کبیره هست، به نظر شما می شود با ۹۰۰ هزار تومان با اینهایی که گفتم زندگی کرد؟؟

یک اتاق در باقرآباد شهری ماهانه ۲۰۰ هزار تومان کرایه اش هست. آیا با ۷۰۰ هزار تومان می شود بچه به مدرسه فرستاد؟؟ پول ایاب و ذهاب می ماند که کارگر سرکارش برود؟؟ بذار برایتان حساب کنم تا شما متوجه شوید که به چه مردم گرسنه ای رییس جمهور هستی:

اگر ما فقط بخوایم نان و پنیر بخوریم برای یک خانواده ۴ نفری ۸ عدد نان بربری ۶۰۰ تومانی و ۳ عدد پنیر چوپان ۴۵۰۰ تومانی لازم است که روزانه می شود ۱۸۳۰۰ تومان و ماهیانه اش می شود ۵۴۹ هزار تومان. با ۲۰۰ هزار تومان کرایه خانه جمعی می شود ۷۴۹ هزار تومان در ماه.

شما بگویید با ۱۵۱ هزار تومان باقی مانده پول آب و برق و گاز و خرج رفت و آمد به سرکار می شود؟؟؟

شما به من جواب بده و یا اقتصاددان های شما که می گویند می شود با این پول زندگی کرد بیایند برای من حساب کنند. البته چه بهتر که وزیرکار شما بیاید و حساب کند.

منتظر جواب شما هستم.

نبی اله معروفی بازنشسته ساکن کرج کد ملی ۵۵۹۹۴۸۴۳۶۱

(این نامه در خبرگزاری ایلنا بطور کامل چاپ شد)

حوادث کار قابل پیشگیری است!



با توجه به اخبار حوادث متروی تهران که به کشته شدن ۳ کارگر انجامید و موضوع آتش سوزی های مکرر در پتروشیمی ها موضوع ایمنی و بازرسی های مداوم چهره خود را بیشتر نشان می دهد. آیا نمی توان این حوادث را پیش بینی و از وقوعش اجتناب کرد؟ آیا بخش های تعمیر و نگهداری وظایف خود را به همراه اکیپ های بازرسی به موقع انجام داده اند؟ آیا سرمایه گذاری و هزینه کردن در مورد بازرسی و ایمنی از نظر کارفرمایان هزینه سنگینی را به پروژه ها تحمیل می کند؟

بر اساس گزارش سازمان بین المللی کار (ILO) ۹۸ درصد حوادث ناشی از کار قابل پیشگیری است. آمار حوادث ناشی از کار طی ۲۰ سال گذشته در کشورهای ژاپن و سوئد ۲۰ درصد، و در فنلاند ۶۲ درصد کاهش را نشان می دهد. عامل عمده این کاهش تغییر شرایط محیط کار از وضعیت نایمن به ایمن بوده است.

بر اساس آخرین مطالعات و تحقیقات انجام شده توسط سازمان بین المللی تامین اجتماعی (ISSA) سرمایه گذاری در زمینه پیشگیری و بهداشت کار در بنگاههای اقتصادی نشان می دهد حداقل نرخ منافع حاصل از سرمایه گذاری در این زمینه برابر ۲/۲ واحد به ازای هر واحد سرمایه گذاری در سال است. بدین معنی که به ازای هر یک ریال سرمایه گذاری سالانه در زمینه پیشگیری

ایمنی و بهداشت کار برای هر یک از کارگران یک بنگاه اقتصادی مبلغ حداقل ۲/۲ ریال بازگشت سرمایه در سال عاید شرکت خواهد گردید. این تحقیق نشان می دهد این منافع در برخی شرایط به بیشتر از ۵ واحد نیز خواهد رسید و اثرات ارتقای ایمنی و بهداشت کار در بنگاههای اقتصادی سبب افزایش انگیزه کاری در میان کارگران، ارتقای جایگاه و چهره موفق شرکت، کاهش مشکلات و ناهنجاری های کاری و افزایش کیفیت محصول نهایی نیز خواهد شد. این مطالعات همچنان نشان می دهد، سرمایه گذاری در مقوله آموزش ایمنی و بطور متوسط به ازای هر واحد ۴/۴۸ واحد و تامین تجهیزات حفاظت فردی (PPE) به ازای هر واحد سرمایه گذاری ۳/۳۷ واحد بازگشت سرمایه در بر خواهد داشت که بسیار قابل توجه است.

با توجه به این تحقیقات که در یک سازمان معتبر جهانی صورت گرفته است باید از کارفرمایان پرسید چرا از این سود چشم پوشی کرده و محیط ایمنی را برای کارگران ایجاد نمی کنند؟ همچنین با این ایمن سازی و دادن انگیزه به کارگران کیفیت محصولات را نیز می توان بالا برد و چهره موفق از شرکت به نمایش گذاشت.

آنچه از رفتار کارفرمایان می توان نتیجه گرفت آن است که حتا مدیران کلان صنعتی کشور هم دانش فنی و به روز ندارند وگرنه این تحقیقات می تواند پایه خوبی برای رشد و کیفیت محصولات در کنار کاهش حوادث کاری باشد.

حوادث کاری در مترو تهران، پتروشیمی ها، نوب آهن، ایران خودرو، و حوادث رخ داده در کارخانه های سازند اراک تاییدی است بر این نتیجه گیری.

تا هنگامی که دیدگاه مدیریت حاکم بر صنعت و کشاورزی، دید کاسبکارانه با برنامه سود حداکثری در کوتاه مدت باشد، ایمنی فدای سودجویی خواهد شد. چرا که این دیدگاه جایگاهی برای فردای خود در ایران نمی بیند.

مازیارگیلانی نژاد عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

بعد از قانون کار، نوبت به مصادره اموال تامین اجتماعی رسیده



طرح ادغام منابع درمانی سازمان تامین اجتماعی در "طرح تحول سلامت" که این روزها دوباره بدنبال علم کردن لایحه "اصلاح قانون کار" روی میز آورده شده، مانند لایحه کذایی "اصلاح قانون کار" که حقوق سندیکایی کارگران را هدف قرار داده، مصادره سرمایه های مالی کارگران را نشانه رفته است. به همین لحاظ باید با هر دوی آنها مقابله کرد...

در هفته گذشته در حالی که کارزار علیه حذف قوانین حمایتی از قانون کار همچنان در جریان بود و کارگران و تشکل های مختلف از هرسو مشغول گردآوری طومار علیه لایحه دولت و ادغام صندوق های بیمه و بخش درمان تامین اجتماعی بودند، صدها تن از بازنشستگان فولاد برای چندمین بار طی دو سه سال اخیر، در اعتراض به پرداخت نشدن به موقع مستمری بازنشستگی شان، همسان سازی مستمری بازنشستگان این صندوق و ادغام تامین اجتماعی در وزارت بهداشت، در نهم آبان ۹۵ مقابل وزارت کشور تجمع کردند.

قبل از آن نیز بارها بازنشستگان فولاد با تجمع های اعتراضی گوناگون مانند پهن کردن سفره های خالی در مقابل مراکز دولتی در تهران و اصفهان با خواسته های مشابه خواستار رسیدگی به مطالباتشان شده بودند، که گاهن نیز توانسته بودند مستمری های عقب افتاده شان را به هر ترتیبی که بود وصول کنند. ولی تداوم تجمعات بازنشستگان و امتداد آن تا هفته گذشته، حکایت از لاینحل ماندن مشکلاتشان و بی مسوولیتی دولتمردان نسبت به مشکلات بازنشستگان فولاد دارد.

دلیل اصلی پرداخت نشدن مستمری های بازنشستگان صنعت فولاد و عدم همسان سازی آن، (افزایش مستمری) بطوری که گفته می شود، تهی شدن صندوق بازنشستگی، در اثر حیف و میل شدن اندوخته های کارگران و عدم وجود مکانیسم نظارتی موثر و قطع سهمی از درآمد کارخانه است که بصورت ماهانه تا قبل از خصوصی شدن کارخانه به صندوق واریز می شده است.

متأسفانه، وضعیت بیشتر صندوق های ذخیره بازنشستگی به استثنای صندوق های کارکنان نیروهای نظامی و انتظامی بطوری که گفته می شود، کم و بیش مشابه است و عوامل مشابه ای موجب افلاس و بحرانی شدن وضعیت شان شده است. وضعیت صندوق تامین اجتماعی نیز تنها اندکی بهتر است، که البته اگر دولت بدهی هایش به صندوق تامین اجتماعی را که بنا به گفته برخی مسوولان بین ۱۰۰ تا ۱۲۰ هزار میلیارد تومان است، به آن پرداخت نکند و بخواهد با ترفند ادغام بیمه ها همچنان بخش بزرگی از هزینه طرح موسوم به "تحول نظام سلامت" را از صندوق این سازمان برداشت کند، بعید نیست که کفگیر این صندوق نیز بزودی به ته دیگ بخورد.

در واقع نیک که بنگریم، مقصر اصلی ورشکستگی صندوق های بازنشستگی کسی غیر از دولت ها نیستند. یقین بدانیم که اگر آزادی در کشور وجود داشت، اگر کارگران و مزدبگیران می توانستند مانند بسیاری از کشورها اتحادیه و احزاب واقعی خودشان را تشکیل دهند و از طریق آنها بر صندوق های بازنشستگی، که صاحبان واقعی شان خود آنها هستند، کنترل داشتند، نه دولت ها می توانستند هروقت که دلشان خواست به اموالشان دست درازی کنند، نه امثال سعید مرتضوی ها و زنجانی ها اموالشان را به غارت می بردند و نه آنقدر به افلاس کشیده می شدند که نتوانند مستمری بازنشستگان شان را پرداخت کنند و نه امروز مسوولان تامین اجتماعی می توانستند ارایه خدماتشان به بیمه شدگان را به بهانه کمبود مالی به حداقل ممکن برسانند.

در طول سه دهه گذشته در حالی که حجم برداشت های دولت ها از اندوخته های تامین اجتماعی بطور پیوسته با شتاب ادامه داشت، به همان نسبت ارایه خدمات مختلف بیمه ای توسط مسوولان سازمان تامین اجتماعی تقلیل یافته و از سه سال پیش که علی ربیعی وزیر کار شده، به رغم قول هایی که برای توسعه

خدمات تامین اجتماعی داده بود، ارایه خدمات بیمه‌ای به پائین ترین سطح طی سه دهه گذشته رسیده است. سهم هزینه پزشکی و دارو و بیمارستان بیمه شدگان که قاعدتا بایستی، یک سوم هزینه‌ها باشد درست بر عکس شده و به دو سوم رسیده، مستمری بازنشستگان برخلاف ادعاها کمتر از رشد هزینه‌ها افزوده شده، و همین مقدار اندک نیز معمولاً به موقع پرداخت نشده است، مستمری‌ها غالباً با تاخیر پرداخت می‌شود و هزینه بیمه‌گرانتز گردیده، با وجود افزایش تعداد بیکاران، بخشی از بودجه بیکاری قطع شده و شرایط دریافت بیمه بیکاری به مراتب دشوارتر از پیش شده است. قانون بازنشستگی در مشاغل سخت و زیان آور، چنان تغییر داده شده که شامل کمتر کسی بشود.

بهانه همه این جرح و تعدیلات، ظاهراً کمبود بودجه عنوان می‌شود، که چندان هم نامربوط به نظر نمی‌آید، ولی مسوولان تامین اجتماعی دلایل کسر بودجه را لاپوشانی می‌کنند، و در عوض با کاستن از خدمات به بیمه شدگان می‌خواهد حقوق‌های کلان مدیران و انواع سواستفاده‌ها و برداشت‌های غیر قانونی و اختلاس در این سازمان را که اختلاس سعید مرتضوی و بابک زنجانی تنها یک مورد از اختلاس‌های رو شده است را با کاستن از خدمات این سازمان به بیمه شدگان جبران نمایند.

از این پس نیز مادامی که، دولت از پرداخت بدهی‌هایش به صندوق سرباز می‌زند و سهم بیمه خودش را نمی‌خواهد بپردازد و تلاش می‌کند بخش اصلی هزینه طرح سلامت‌اش را نیز از صندوق تامین اجتماعی تامین کند، مادامی که وزیر کار همچنان با سرسختی از فعالیت تشکل‌های واقعی و مستقل کارگری جلوگیری می‌کند و حضور و نظارت آنها در مدیریت تامین اجتماعی را بر نمی‌تابد، تا هنگامی که دست کارفرمایان را با لغو قوانین حمایتی برای بیمه نکردن کارگران شان باز می‌گذارند، انتظار هیچ تغییر و تحول مثبت و بهبودی در تامین اجتماعی را از دولت نمی‌توان داشت.

ورشکستگی و افلاس صندوق‌های بازنشستگی زنگ خطر برای کارگران و مزدبگیران را به صدا درآورده، بیم آن می‌رود که چنانچه خود کارگران و مزدبگیران ب فکر چاره عاجلی نیفتند، حتی از دریافت حقوق بازنشستگی نیز محروم شوند. سردواندن غیر مسوولانه دوسه ساله بازنشستگان فولاد اصفهان

توسط مسوولان دولتی و سرباز زدنشان از اصلاح چرخه معیوبی که عامل این مصیبت است، این بیم را دوچندان می کند. نجات از این وضع نیز مانند موارد دیگر در دست خود کارگران و مزدبگیران است، باید زودتر دست بکار شد و با استفاده از تمام امکانات و ظرفیت ها اجازه نداد تا ته مانده اندوخته سازمان تامین اجتماعی که از حق بیمه کارگر و بخشی از ارزش افزوده کار کارگر تامین شده است، هر بار به بهانه‌ای بیش از این حیف و میل شود و توانش را خود کارگران مجبور باشند بپردازند.

طرح ادغام منابع درمانی سازمان تامین اجتماعی در "طرح تحول سلامت" که این روزها دوباره بدنبال علم کردن لایحه "اصلاح قانون کار" روی میز آورده شده، مانند لایحه کذایی "اصلاح قانون کار" که حقوق سندیکایی کارگران را هدف قرار داده، مصادره سرمایه های مالی کارگران را نشانه رفته است. به همین لحاظ باید با هر دوی آنها مقابله کرد و به دولت فشار آورد تا قبل از این که سازمان تامین اجتماعی به سرنوشت صندوق بازنشستگی فولاد مبتلا شود، دست از سر آن بردارد، بدهی هایش به سازمان تامین اجتماعی را بپردازد، سواستفاده از صندوق ذخیره کارگران را خاتمه دهد و اختیار اداره امور آن را به صاحبان واقعی اش بسپارد. در این صورت است که سازمان تامین اجتماعی و صندوق های بازنشستگی قادر خواهند شد مانند صندوق های مشابه در کشورهای دیگر از منابع شان حراست و به درستی استفاده کنند و خدمات مناسبی به افراد تحت پوششان ارایه دهند.

اسداله صادقی دبیر سابق سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

« دستمزد مناسب با ۸ ساعت کار و تامین کننده نیازهای یک خانواده ۴ نفره از اصلی ترین تلاش های سندیکاهای کارگری است. »

کودک کار، اعتیاد، کارتن خوابی، تن فروشی، فقر، بیکاری و فساد از مشکلات جامعه ماست .. برای رفع این مشکلات به سندیکاهای کارگری

بپیوندید.»

وطن کارگران و ضرورت اجتناب از قوم ستیزی

مدتی است در صفحه های اجتماعی توهین به عربستان سعودی و عرب ها به طور ناشایستی شدت گرفته است که متأسفانه از سوی مدیران ارشد سیاسی هم به آن دامن می زنند. این پدیده مذموم به صفحات کارگری هم کشیده شده، از جمله صفحه تلگرامی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک.

اگر دوستان از دیدگاه کارگری به هر موضوعی نگاه کنند شاید بشود نتیجه ای در خور تامل گرفت. گرچه هیچ انسان آگاه و میهن دوستی نمی تواند با مواضع ارتجاعی و جنگ افروزان سرمایه داری و سران عربستان سعودی همراهی داشته باشد، ولیکن کارگران از خود می پرسند در این عرب ستیزی و یا «وطن پرستی» کاذب چه چیزی به نفع کارگران تمام خواهد شد؟

آیا عرب ستیزی به جنگ ختم نمی شود؟ آیا برای این جنگ فرزندان کارگران نباید به جنگ بروند؟ آیا مشتی ثروتمند از این جنگ بهره نخواهد برد؟ پس چرا زحمتکشان باید بر این طبل که نتیجه ای جز جنگ و درگیری های «حیدری- نعمتی» ندارد، بکوبند؟

وطن برای کارگران مفهومی متفاوت با مفهوم مورد نظر سرمایه داری دارد. طبقه کارگر خواهان ناپودی و ویرانی هیچ وطنی نیست. طبقه کارگر خواهان بهروزی همه وطن هاست. چرا که وطن کارگران آنجایی است که در آن به تولید ثروت مشغولند و آن را آباد می خواهند. سرمایه داری و وطنش در چمدان هایش است و هرکجا که بتواند سود بیشتری کسب کند آنجا را وطن می داند. بی تردید سودجویانی هم در عربستان و هم در ایران نفعشان را در جنگ و توهین می ببینند. کارگران ایران با زحمتکشان و مردم عربستان که همچون ما از سوی سرمایه داری چه عرب باشد چه ایرانی مورد ستم و استثمار قرار می گیرند، نه تنها دشمنی ندارد بلکه باهم رفیق و همسنگر و هم زنجیر هستند. کارگران در همه جا با هم برادرند و نیازی به جنگ و درگیری ندارند. کاش آنهایی که خود بر طبل جنگ می کوبند با خانواده هایشان به جنگ هرکه می خواهند بروند و فرزندان کارگران را گوشت دم توپ منافع خود نکنند. کارگران همواره طرفدار صلح و دوستی بین خلق ها هستند.

مازیار گیلانی نژاد عضو سندیکای کارگران
فلزکارمکانیک ایران

در پی موافقت هیات دولت صورت گرفت؛

افزایش صددرصدی حق مسکن کارگران از نیمه دوم امسال

ایننا: با موافقت رییس جمهور و هیات دولت، سرانجام مصوبه شورای عالی کار درباره افزایش حق مسکن کارگران از نیمه دوم سال ۹۵ لازم الاجرا شد. براین اساس از ابتدای پاییز سال جاری حق مسکن ماهانه هرکارگر از مبلغ ۲۰ هزار تومان به ۴۰ هزار تومان افزایش می یابد.

وزیر کار همچنین مدعی شد: با احتساب نرخ متوسط تورم سال ۹۵ که رقمی حدود ۱۰ درصد را شامل می شود افزایش حق مسکن کارگران باعث شده که امسال نیز درآمد کارگران حدود ۵/۶ درصد مزد از تورم پیشی گیرد.

آقای وزیر فکر نمی کنی که ۶ ماه حق مسکن به کارگران را بدهکارید؟؟
واقعن کارگران را این مقدار بی اطلاع می دانید که مدعی پیشی گرفتن ۵ درصدی مزد از تورم هستید؟؟ آ نهم هنوز پرداخت نشده؟؟

هرچند که با حقوقی که شما می گیرید اصلن نمی دانی تورم و گرانی چیست وگرنه مانند نادانان سخن نمی گفتی.



درد بر صنعتگران و بزرگمردان منطقه پارس جنوبی عسلویه که عشق و شادمانی را با تلاش همیشگی خود و کار طاقت فرسا به خانواده هایشان پیشکش می نمایند ♡ □ ♡ □ ♡ □ .

کارگران فلز کار عسلویه در نهایت عشق و شادمانی پتکهای سنگین خود را بر صفحه پلیت‌ها فرود می آورند و آهن را در جهت آنچه طراحی شده است شکل می دهند و در پیوند کار تمام وقت و پشتکار همیشگی خود، آشیانه‌ها آباد می سازند و شعله‌های روشنایی گاز را در مسیر مهربانی روشن نگه میدارند و چه خوب است که حقوق این بزرگواران را ارج بگذارند و نگذارند که چهره‌های آنان از غارت و چپاول و حق خوری زرد شود.

ما نمی دانیم علت بی توجهی سرمایه داران به طبقه کارگران تا کی می خواهد ادامه پیدا نماید که این چنین بر کارگران شیخون می زنند و در ازای زحمات طاقت فرسا، بایستی تاوان نگاه سرد و چهره عبوس کارفرما را که کیسه‌های جادویی چک پول به جانش بسته است را تحمل نمایند؟! آنها نمی خواهند شور و حرارت کارگران را ببینند و در عوض چهره نگران کارگر را که به بیچارگی خو گرفته باشد را بیشتر می ستایند... آنها نمی خواهند بدانند که کارگر فقط یک ابزار در دست سرمایه دار نیست؛ بلکه انسانی است که طبق هرم آبراهام مازلو دارای نیازهایی است که بالاترین نیازش، نیاز به خود شکوفایی است و انسانی است که دارای حقوق انسانی است و همیشه برای رسیدن به یک زندگی سالم در تلاش است... او نیاز به جسارت و شهامت برای گرفتن حقوق خود دارد و متأسفانه در سیستم نئو لیبرالیسمی کشورمان و در سایه دلالی کار ابراز وجود و توانمندی و درخواست حقوق را، فاجعه‌ای بزرگ خطاب می نمایند که پا به خط قرمز آنان؛ یعنی چپاولگری گذاشته ایم. ما کارگران خواهان حقوق قانونی خود و رفع سیستم خانمان برانداز دلالی کار هستیم و امیدوارم که کارگران ایران زمین در هر جای این سرزمین به حقوق قانونی خود آگاه باشند و در حد توان خود برای متشکل شدن در هر حوزه‌ای تلاش نمایند.

با سپاس (وارتان خرم‌دین)

مهمترین صادرات ایران به دنیا

هم‌اکنون ۶۹.۲ درصد مدال‌آوران در المپیاد فیزیک، ۷۶.۶ درصد ریاضی، ۵۰ درصد کامپیوتر و ۵۰ درصد شیمی از کشور مهاجرت کرده‌اند ... مبدا ۹۴ درصد آنها سکوی پرتابی به‌نام «دانشگاه صنعتی شریف است» و مقصد ۶۶.۴ درصد آنها آمریکا. (آفتاب نیوز)

متأسفانه بزرگترین سرمایه‌کشورمان که نیروی انسانی توانمند است به دلیل سیاست‌های غلط آموزشی و سیاسی و اقتصادی راهی دیار غریب می‌شوند. هر کدام از این نخبگان می‌توانستند تغییرات علمی و اقتصادی و سیاسی و اجتماعی را در کشور رقم بزنند.

چه سیاستی نمی‌خواهد این نخبگان در کشور خود بمانند؟ چه دست‌هایی برای ترانزیت این نخبگان تلاش می‌کند؟ جز سرمایه‌داری خائن نفوذ کرده در پهنه سیاست و اقتصاد؟

طبقه زحمتکش ایران نه تنها نخبگان خود در امر سیاست را به دلیل سرکوب به مهاجرت فرستاد بلکه امروز نخبگان عرصه علم نیز راهی دیار غرب می‌شوند.

نخبگان سیاسی علاقمند به بهبودی زندگی زحمتکشان که جان خود را برداشته و از ایران گریختند، نهضت انقلابی ایران را کم‌توان کردند.

اما این نخبگان علمی با مهاجرت خود نه تنها سطح علمی ایران رانازل می‌سازند بلکه در خدمت سرمایه‌داری قرار گرفته و برای نابودی کشورشان بطور غیر مستقیم مورد استفاده قرار می‌گیرند.

مافیای دلال نفوذ کرده در عرصه سیاست برای ترانزیت این نخبگان تلاش بی‌محابا کرده و برای ضربه زدن به روند رو به رشد کشور از هیچ خیانتی رویگردان نیست.

آب را درست استفاده کنیم!

در کالیفرنیا که یکی از سرسبزترین و زیباترین ایالت های امریکاست، دانشمندان از ۵ سال پیش خطر خشکسالی را پیش بینی کرده اند. همه نهادها احساس خطر کردند، کارواش ها و استخر ها دستور داده شده اند که از دستگاه های تصفیه آب استفاده کنند تا از همان آب مصرفی دوباره استفاده کنند. شهرداری استاندارد شیرهای دستشویی ها و حمام ها را عوض کرد و همه ساختمان ها موظف شدند از شیرآلاتی استفاده کنند که حجم کمتری از آب را از خود بیرون می کنند. آب آبارتمان ها محاسبه هزینه اش بر اساس تعداد نفر شد، خانه هایی که اتومبیل یا چمن زیاد آب می دهند جریمه های سنگین می شدند. همه دانشگاه ها و ادارات دولتی موظف شدند تا سه سال آینده از چشم های الکترونیکی برای شیر دستشویی های خود استفاده کنند و حتی استانداردهای حجم سیفون توالت ها هم تغییر کرد. شرکت های تحقیقاتی روی شیوه جدید آبیاری کشاورزی کار کردند و میزان آب مصرفی کشاورزی ۴۱ درصد کمتر شد. خلاصه همه چیز در جهت صرفه جویی آب قرار گرفت. امروز گفته می شود خطر کم آبی در کالیفرنیا نسبت به دیگر ایالت ها ۷ سال عقب تر می افتد.

اما اصل ماجرا، شاهکار کالیفرنمایی ها روی پدیده ای بود به اسم **Embodied water** ، یا آبی که به چشم نمی آید. داستان چه هست؟

شما حجم زیادی برکه در پرینترتان دارید یا چرک نویس های روزانه. آیا می دانید برای تولید هر برکه A4 ۴ تا رسیدن به شما، ۱ لیتر آب مصرف می شود؟ آیا می دانید برای تولید هر کفش چرم زنانه یا مردانه تان ۸۱۱ لیتر آب مصرف شده؟ آیا می دانید برای تولید یک عدد نان سنگگ که هر روز خانواده می خورند ۲۰۱ لیتر آب صرف شده؟ و آیا می دانید هر شلوار (لی) که هر یک از ما می پوشیم برای تولیدش ۱۰۰۰ هزار لیتر آب صرف شده است؟ این ها آب پنهان در زندگی ما هستند. مصرف آب پنهان ما انسان ها، ۹۱ درصد مصرف آبی است که هر روز مصرف می کنیم. و بخش زیادی از آن مربوط به محصولات خوراکی و پوشش و لوازم زندگی می شوند.

وقتی یک کشور می گوید با خطر خشکسالی روبروست، معنی اش این است که تأثیرش پشت همه این خوراکی ها و لباس ها و حتی مانیتور و کتاب و یک لیوان شیر روی میز شماست اگر تمام شود، این محصولات هم کم کم دیگر تولید نمی شوند. این یک بحران است. به آن توجه کنید.

دفعه بعد که یک کیلو سیب زمینی خریدید، حواس تان باشد در مصرف اش دقت کنید، برای تولید آن یک کیلو ۱۱۱ لیتر آب از آب ایران کم شده است و آن ۱۱۱ لیتر به سختی جایگزین می شود!

25 نوامبر

خندیدن به آرزوهای زنانه
خشونت علیه زنان است.



IR

۵ آذر روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان است. در این روز گردهم آییم و بر علیه قوانین زن ستیز که مادران، همسران، خواهران، و دخترانمان را برای نابودی جسم و روحشان نشانه گرفته است، متحدانه اعتراض کنیم.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

عروسان کوچک یا عروسک های قربانی

طبق آمارها در سال ۹۳ تعداد دختران ازدواج کرده بین ده تا چهارده سال به ۴۰ هزار نفر رسیده است. استان خراسان رضوی در این سال با ۷۵۰۰ نفر ازدواج دختران زیر چهارده سال رتبه اول را داشته است. فجیع تر، خبرآنلاین از ازدواج اجباری دختران ۷ تا ۱۱ ساله در روستای "پسک سفلی" شهرستان خوی در استان آذربایجان غربی خبر داد. روستایی که مدرسه راهنمایی برای دختران ندارد و از دلایل عمده ازدواج زودرس دختران تشخیص داده شده است. از خشونت های بارز ازدواج اجباری دختران در صورت باردارشدن در بازه سنی ده تا ۱۴ سال، پنج تا هفت برابر شدن مرگ و میر زایمان به نسبت زایمان بالای ۲۰ سال است.

ازدواج زودرس و اجباری دختران در خانواده موید و مستند این حقیقت تلخ است که خانواده هیچ حق و انتخابی برای فرزند دختر خود قایل نبوده و نشناخته است و بدین ترتیب دختر نیز بدون آگاهی از حقوق خود و رشد عقلی وارد زندگی مشترک می شود. به تبع آن عروسان کوچک با خشونت های جنسی و کار اجباری در خانه روبرو هستند. از سوی دیگر بدلیل نبود آموزش و کسب مهارت های لازم زندگی، آنها با رفتارهای کودکانه ی خود به مراتب درگیر خشونت خانگی در انواع مختلف آن هستند. علاوه بر این ها آسیب های اجتماعی ازدواج های اجباری روبه افزایش است وقتی آنها نیز اقدام به فرزند آوری کنند.

با توجه به این داده ها و شواهد، سندیکای کارگران فلزکارمکانیک خواهان تسریع سیر منحنی عروسان کوچک و ازدواج اجباری، با به رسمیت شناختن سن کودکی تا ۱۸ سالگی، تمهیدات آموزش و پرورش رایگان و اجباری کودکان، ممنوعیت ازدواج کودکان، همکاری نهادها و رسانه ها در آگاه سازی جامعه و خانواده ها در تغییر روشهای تربیتی و فکری و تبلیغ و ترویج نفی تبعیض جنسیتی از اقدامهای تحول ساز بشمار می روند، می باشد.

زنان ریشه های انسانیت اند.

اشتباه خواهد بود

اگر فکر کنیم

با محدود کردن ریشه ها

شاخه ها بهتر رشد خواهند کرد.

هر قدر ریشه ها محدود تر شوند

شاخه ها پژمرده تر

فاسد تر

و رشد نایافته تر خواهند شد.



بچه ای به مادرش گفت:

اگر بهشت حق توسط،

چرا در دستانت نیست و زیر پاهایت قرار دارد؟!!

مادر گفت: آن را زمین گذاشتم، تا تو را در آغوش بگیرم...

جدایی و ترس

عذرا خانم پشت پنجره اتاق مشرف به مغرب نشسته و شاهد غروب آفتاب بود. گیسوان بافته شده سفید مثل برفش با رنگ نارنجی غروب آفتاب ترکیب شده بود و از او تابلوی بسیار زیبایی ساخته بود.

فرزند بزرگش بهادر و دخترش هر دو ازدواج کرده و مشغول رتق و فتق زندگی خودشان بودند.

شوهرش احمد که راننده کامیون بود صبح می رفت و شب دیر وقت آن هم با اخم و فحش گاهی شلاق و توهین با خود به ارمغان می آورد.

مدتی بود خورشید کاملاً پایین رفته ولی عذرا خانم همچنان بی حرکت نشسته بود. یکباره از جای خود جست و بلند بلند گفت: « الان تشریف خودش رو میاره، بیشرف ارث پدرش رو از من طلب داره یه عمری با بدبختیش ساختم با نداریش با بی عاریش با بد خلقیش و با هزار کثافتکاریش ساختم اونوقت وقتی خونه میاد مثل سگ ولگرد پاچه میگیره »

بعد تندتند بلند شد و چراغهای خونه رو روشن کرد، سماور رو روشن کرد و منتظر ماند تا شاید شوهرش زود بیاید و با هم شام بخورند.

احمد آقا ماشین خود را در پارکینگ گاراژ سندیکای رانندگان پارک کرد و خواست به همراه دوستانش مثل هر شب برای تفریح به بیرون شهر بروند اما ناگاه چهره آشنایی را جلوی در گاراژ دید که داشت به او نگاه می کرد جلو رفت و گفت : علی تویی؟؟ چی شده؟؟ مرد واسه چی این قدر درب و داغون شدی؟؟

علی در حالی که زیاد سرحال نبود، جواب داد : احمد، سخته مغزی کردم و زخم منو ول کرده و رفته خونه بچه هاش.

احمد گفت: عجب زن بی وفایی بود ناکس حالا که بهش احتیاج داری گذاشته رفته؟

علی در حالی که اشک از چشمانش سرازیر بود گفت : احمد آقا اون منو ترک نکرده من لیاقت نداشتم ، با اون مثل یه اسیر رفتار کردم و جلوی چشمش بهش خیانت کردم و تا اعتراض میکرد اونو زیر مشت و لگد می گرفتم، آره داداش خودم کردم که لعنت بر خودم باد.

احمد لرزه ای بر جانش افتاده و احساس سردی می کرد. آن قدر در فکر فرو رفته بود که متوجه رفتن علی آقا نشده بود. پیش خودش داشت فکر می کرد: آخه مرد چکار داری میکنی سرگذشت علی آینده خودته! یه کمی به خودت بیا و تکانی به خودت بده.

در همین افکار بود که اصغردیزل ضربه ای به پشتش زد گفت : احمد کجایی زود بیا دوستا منتظرتن.

ولی احمد برای اولین بار در عمرش توانست به یک نفر بگوید: نه

او در حالی که از اصغر دیزل داشت دور می شد به طرف شیرینی فروشی رفت تا بتواند کام همسرش را شیرین نماید. هر چند راه درازی می بایست طی شود تا همسرش او را و رفتارش را باور نماید.

نوشته اکبر صفابخش

شب سردی بود

پیرزن بیرون میوه‌فروشی زُل زده بود به مردمی که میوه می‌خریدند. شاگرد میوه‌فروش، تُند تُند پاکت‌های میوه را داخل ماشین مشتری‌ها می‌گذاشت و انعام می‌گرفت.

پیرزن با خودش فکر می‌کرد چه می‌شد او هم می‌توانست میوه بخرد و ببرد خانه... رفت نزدیک‌تر... چشمش افتاد به جعبه چوبی بیرون مغازه که میوه‌های خراب و گندیده داخلش بود. با خودش گفت: «چه خوبه سالم‌ترهاشو ببرم خونه.» می‌توانست قسمت‌های خراب میوه‌ها را جدا کند و بقیه را به بچه‌هایش بدهد... هم اسراف نمی‌شد و هم بچه‌هایش شاد می‌شدند. برق خوشحالی در چشمانش دوید... دیگر سردش نبود!

پیرزن رفت جلو، نشست پای جعبه میوه. تا دستش را برد داخل جعبه، شاگرد میوه‌فروش گفت: «دست زن ننه! بلند شو و برو دنبال کارت!» پیرزن زود بلند شد، خجالت کشید. چند تا از مشتری‌ها نگاهش کردند. صورتش را قرص گرفت... دوباره سردش شد... راهش را کشید و رفت.

چند قدم بیشتر دور نشده بود که خانمی صدایش زد: «مادر جان، مادر جان!» پیرزن ایستاد، برگشت و به آن زن نگاه کرد. زن لبخندی زد و به او گفت: «اینا رو برای شما گرفتم.» سه تا پلاستیک دستش بود، پُر از میوه؛ موز، پرتقال و انار. پیرزن گفت: «دستت درد نکنه، اما من مستحق نیستم»

زن گفت: «اما من مستحقم مادر. من مستحق داشتن شعور انسان بودن و به هم‌نوع توجه کردن و دوست داشتن همه انسان‌ها و احترام گذاشتن به همه آنها بی‌هیچ توقعی. اگه اینارو نگیری، دلمو شکستی. جون بچه‌هاست بگیر.» زن منتظر جواب پیرزن نماند، میوه‌ها را داد دست پیرزن و سریع دور شد... پیرزن هنوز ایستاده بود و رفتن زن را نگاه می‌کرد. قطره اشکی که در چشمش جمع شده بود، غلتید روی صورتش. دوباره گرمش شده بود... با صدایی لرزان گفت: «پیرشی ننه، پیرشی!... خیر ببینی...»

مبارزه برای احقاق حقوق زنان کارگر یک ضرورت طبقاتی

این اواخر مسوولین و خبرگزاری های به نقل از “مرکز آمار ایران” از وضعیت اسفبار جامعه، شرایط کاریابی و وضعیت محیط های کار برای زنان خبر می دهند. آخرین گزارش مرکز آمار ایران از وضعیت بیکاری و اشتغال در کشور نشان می دهد که ۴ میلیون و ۳۰۳ هزار نفر از کل جمعیت ۱۰ سال به بالا و فعال اقتصادی در تابستان امسال زنان بوده اند. به عبارتی، آمارهای دولتی می گویند بیش از ۳.۴ میلیون زن هم اکنون در بازار کار رسمی ایران مشغول به فعالیت هستند.

آمار زنانی که در بازارهای غیر رسمی کار و در منازل ثروتمندان نیروی کارشان را برای تامین یک زندگی بخورونمیر میفروشند معلوم نیست. در ضمن میلیونها زن در کار خانگی و در مزارع، باغات و کوره پزخانه ها به عنوان عضوی از خانواده به طور مجانی کار میکنند. اینان از نظر دولت کارگر محسوب نشده و حاصل و نتایج کارشان در هیچ جا ثبت نمی شود. زنان شاغل در بازار کار رسمی با مصایب و بی حقوقی های متعددی روبرو هستند. اکثر آنها در بخش کشاورزی و در کارگاههای زیر ده نفر کار می کنند و از شمول همین قانون کار هم خارج هستند. بنابراین بیمه نمی شوند؛ کمتر از حداقل دستمزد تعیین شده به آنها داده میشود که خود سه مرتبه زیر خط فقر است. کارفرماها از آنها اضافه کاری اجباری کشیده و پولی به آنها نمی دهند. آنها باید تعهد بپردازند که بچه دار نمی شوند و یا حتا ازدواج نمی کنند. کارفرماها از زنان متأهل نیز تعهد میگیرند که از مرخصی زایمان استفاده نکنند. بخشی از کارگران زن مورد توهین و آزار جنسی قرار میگیرند. تعدادی از آنها حتی از مقاومت در برابر تجاوز جنسی از جانب کارفرماها ناتوان می مانند. برای زنان کارگری که قانون کار شامل حالشان می شود وضع چندان بهتر نیست. خود مراکز آمارگیری دولت اذعان کرده اند ایران در موضوع مرتبط به حداقل دستمزد دارای یکی از ارزانترین نرخ های دستمزد در جهان است. آنها نوشته اند که اغلب زنان از دستمزدهایی به مراتب پایین تر از مردان حتی در شرایط کار مشابه برخوردار هستند. هم اکنون کارفرمایان ترجیح می دهند در بسیاری از مشاغل مدیریتی که نیاز به تخصص و مهارت

دارند حتا شرایط زنان متقاضی کار را بررسی نکنند و تنها به بررسی تقاضای مردان کارجو می پردازند. با این حال، در بسیاری از مشاغل ساده تر و آن بخش از کارهایی که نیازمند تخصص و مهارت نیست، زنان در اولویت قرار داده می شوند. وضع زنانی که در بازار کار غیررسمی کار می کنند بسیار بدتر از اینهاست.

زنان کارگر در ایران به نسبت زنان و مردان کارگر در کشورهای توسعه یافته سرمایه داری و حتی بعضی کشورهای در حال توسعه از بی حقوقی های بیشتری رنج می برند. دلایل آنهم روشن است، حکومت حافظ سرمایه در ایران کلیه قوانین و فرهنگ و سنت را علیه زنان بکار گرفته است. برای مثال قوانین زن ستیز زنان را در خانه اسیر و نان خور مرد به حساب می آورد. همین امر به کارفرماها اجازه می دهد به این بهانه که زنان نان آور خانه نیستند به آنها دستمزدهای کمتری از مردان برای کار برابر پرداخت کنند و در مراکز کاری به شدت ناایمن آنها را به شدت استثمار کنند.

تحت این شرایط هرچه تحمیل بی حقوقی از جانب کارفرماهای بخش دولتی و بخش خصوصی علیه زنان شدیدتر باشد مردان کارگر نیز زیان می بینند. زنان و مردان کارگر باید بازو در بازوی هم مبارزه کنند تا وضع کار و زندگی طبقه کارگر بهبود یابد. این مبارزه یک مبارزه طبقاتی است که می تواند اشکال گوناگونی به خود بگیرد.

مبارزه برای پرداخت حقوق برابر در مقابل کار برابر می تواند شکل دیگری از مبارزه باشد. کارگران زن و مرد نباید اجازه بدهند که نازل ترین حداقل دستمزد در جهان به آنها پرداخت شود. مبارزه متحدانه برای افزایش دستمزد از ضروریات اولیه است. به طور کلی راه انداختن یک جنبش مطالباتی که بر بستر آن زنان و مردان کارگر بتوانند خود را در تشکل های طبقاتی و سیاسی متشکل کنند از ملزومات پیشروی جنبش طبقاتی کارگران با افق برابری طلبانه است.

سیروان پرتو نوری

سودجویی سرمایه داری از مهاجرین جنگی

کودکان پناهجوی سوری؛ نیروی کار ارزان مانگو و زارا در ترکیه

خبرنگاران بی‌بی‌سی در یک گزارش تحقیقی افشا کرده‌اند که کارخانه‌های معروف تولید پوشاک مانند زارا و مانگو در ترکیه از کودکان پناهجوی سوری به عنوان نیروی کار ارزان استفاده می‌کنند.

۱۲ ساعت کار در کارگاه تولید پوشاک و در شرایطی فاجعه‌بار و در مقابل حقوقی بسیار اندک؛ این سرنوشت کودکان سوری است که از بمب و موشک فرار کرده و به ترکیه پناه برده‌اند. این کودکان در شرایطی که از نظر امنیت کاری بسیار نامناسب است برای بخش فروش آنلاین و نیز فروشگاه‌های کارخانجات معروفی مانند مارک‌انداسپنسر (M&S) و آسوس ASOS کار می‌کنند. در گزارشی که تلویزیون بی‌بی‌سی دوشنبه شب (۲۴ سپتامبر/۳ آبان) پخش کرد، کم‌سال‌ترین کودکی که با او گفت‌وگو شده ۱۵ سال دارد و روزی ۱۲ ساعت اتوکشی می‌کند. این لباس‌ها سپس برای فروش به بریتانیا فرستاده می‌شوند. این گزارش نشان می‌دهد که بزرگسالان سوری نیز مجبور به کار با مواد شیمیایی بر روی لباس‌های جین، بدون ایمنی کافی در کارخانه‌هایی مثل مانگو و زارا هستند. این پناهجویان در قبال این کار سخت، حقوقی بسیار پایین‌تر از حداقل حقوق در ترکیه دریافت می‌کنند و پولشان را نیز از طریق یک واسطه به صورت نقدی در خیابان می‌گیرند.

یکی از خبرنگارانی که این گزارش را تهیه کرده گفته در این کارخانه‌ها با پناهجویان بسیار بد رفتار می‌شود. او از قول یکی از این پناهجویان گفته: «اگر اتفاقی برای یک سوری بیفتد، فوراً او را از کارخانه بیرون می‌اندازند، درست مثل یک تکه پارچه».

مدیران مانگو، مارک‌انداسپنسر و آسوس پس از انتشار این گزارش ابراز نگرانی کرده و گفته‌اند در آخرین کنترل‌هایی که صورت گرفته نشانه‌هایی از کار کردن پناهجویان یا کودکان در آن کارخانجات دیده نشده است.

در ماه فوریه نیز وبسایت آلمانی "سایت" درباره کار غیرقانونی پناهجویان سوری در ترکیه گزارش داده بود. مراد اردوغان، پژوهشگر مهاجرت در آنکارا، به "تسایت" گفته بود که کارفرماها دنبال پناهجویان هستند زیرا آنها نیروی کار ارزان به حساب می‌آیند. به گفته این پژوهشگر، هر کارفرما باید طبق قانون، بابت بیمه و سایر خدمات به ازای هر کارگر ۲۵۰۰ لیر ترکیه (حدود ۷۵۰ یورو) در ماه بپردازد. اما هیچ کارفرمایی این پول را برای پناهجویان پرداخت نمی‌کند چرا که اکثر آنها غیرقانونی کار می‌کنند.

مشکلات زحمتکشان و محله های کارگری مشهد

چند بچه با لباس های سنتی بلوچ و با پای برهنه مشغول بازی در اطراف کال هستند. برای این کودکان کشیدن مواد مخدر در مقابل چشمانشان امری عادی است و مانع از بازی های کودکانه آنها نیست.

یکی از آنها می گوید که خانه ای ندارد و به مدرسه هم نمی رود. گویا سهم آنان از مدرسه و آموزش تنها فعالیت داوطلبانه یکی از فعالان اجتماعی است که به آنها درس می دهد، یعنی این بچه ها از آموزش و پرورش رسمی محروم هستند.

خواهر دهساله اش هم با صورتی بزک کرده که دلیل این آرایش را عروسی خاله اش عنوان می کند به جمع ما وارد می شود. بچه ها به سوالات ما می خندند و به نوعی سعی می کنند، ما را دست به سر کنند، بخصوص وقتی درباره شغل پدر و مادرشان می پرسیم. بنا به گفته خودشان اینجای پدرها و مادرها هر دو شاغل هستند.

از شغل والدین چیزی نمی گویند و پاسخ های گنگی تحویل می دهند؛ «اونا سر چهار راهن، تازه منم کار می کنم و...» اما از ماهیت کارشان چیزی نمی گوید.

اینجا بچه ها غالباً شناسنامه ندارند، شغل پدر و مادرشان را هم نمی گویند؛ چون معمولاً در کار خرید و فروش مواد مخدر هستند و از بچه ها هم برای همین کار استفاده می کنند

گزارش از شادی مکی



دردنیای من
 مدرسه نیست،
 استخر نیست
 مسافرت خانوادگی نیست
 دردنیای من حتا
 بستنی قیفی هم نیست.
 پس چشمهایم
 را به روی دنیا می بندم
 شاید دنیای
 خواب من رنگی باشد. شاید...



روز جهانی کودک بر تو ای مرد جوان شادباش
با دست ها و چهره ای سیاه و خسته به خانه می روی
اما نه رانت خوار بوده ای، نه به قدرت مافیایی وصلی
فقط شرف و همت تو سرمایه ات است!